

وقتی رود ولگای روسی نفس دریای خزر را می گیرد

مرگ آرام بزرگ ترین دریاچه جهان

اگر سیاست خارجی و قوانین تازه به موقع نرسند، بزرگ ترین دریاچه جهان قربانی بعدی سوءمدیریت و دخالت های انسانی خواهد بود

صفحه ۶



در گفت وگویی اختصاصی با هفت صبح، حمید استیلی بعد از چند سال علیه فرهاد مجیدی افشاگری کرد

مجیدی از من فیلم گرفت

استیلی مدعی است مربی سابق تیم ملی او را برای حضور در جلسات فنی دعوت می کرده تا از وی فیلم بگیرد

مدیر تیم امید پس از چند سال تاخیر دست به افشاگری زد و پرده از ماجرای حاشیه ای بین خود و فرهاد مجیدی برداشت. حدود ۶ سال پیش قرعه کشی مرحله گروهی انتخابی المپیک ۲۰۲۰ توکیو برگزار شد و تیم امید ایران با تیم های کره جنوبی، چین و ازبکستان در یک گروه قرار گرفت. گروهی که به گروه مرگ شهرت یافت.

صفحه ۷



داستان واقعی ترین مسابقات اتومبیل رانی در فیلم «اف ۱»

بردپیت ۲۰ سال منتظر فرمول یک بود

صفحه ۵



خط و نشان یارانه ای وزیر کار برای سه دهک بالای جمعیتی؛ تورم ۴۱ درصدی و فشار بر طبقه متوسط

حذف یارانه: درمان کسری بودجه یا تشدید بحران؟

صفحه ۲

بررسی ابعاد و زوایای نشست آلاسکا و تاثیر آن بر معادلات منطقه ای

ترامپ و پوتین؛

استقبال گرم و بدرقه ای سرد

صفحه ۳

نرخ مشارکت اقتصادی اندک ایرانی ها در مقایسه با سایر مناطق جهان

قهر زنان و افول بازار کار

صفحه ۲



گزارش

نقاب آرایش بر چهره معصوم کودکی

صورت کودکان دفتر نقاشی نیست

تقاضا برای محصولات کودک پسند از لاک های اکلیلی تا پالت های کوچک رنگ چهره رو به افزایش است

در شلوغی یک فروشگاه لوازم آرایش، دو زن دربارۀ رنگ مو و اکسسیدان مناسب مشغول مشورت با فروشنده اند؛ اما میان این گفت وگوهای بزرگسالانه، صحنه های دیگر در حال شکل گیری است. دو دختر بچه با کنجکاوی و اشتیاق کودکانه، مشغول وارسی وسایل آرایشی اند. قدشان به زحمت به میز می رسد اما با بازی و خنده، بالا می آیند، رنگ ها را بررسی می کنند و بعد از مشورت هایی که با هم دارند، هر کدام وسیله ای آرایشی را انتخاب می کنند و با لبخندی شیطنت آمیز، آن را به مادرشان می دهند. مادر بی هیچ تعجبی وسیله را می گیرد، آن را ورنداز می کند و کنار خریدهایش می گذارد. فروشنده هم با خرید وسیله آرایشی برای دختر بچه ها، نه عجیب است و نه تازه و فقط بخش کوچکی از یک خرید معمولی است.

فانتزی، رایحه های شیرین و بسته بندی هایی مشابه اسباب بازی تولید می کنند اما در پس این ظاهر معصومانه، همان ترکیبات آرایشی بزرگسالان یعنی پارابن، سرب و مواد حساسیت زا قرار دارد.

دکتر «رویا مرجانیان» معاون فنی اداره کل فرآورده های آرایشی و بهداشتی سازمان غذا و دارو درباره عرضه لوازم آرایشی مخصوص کودکان در قالب اسباب بازی می گوید: مواد شیمیایی استفاده شده در این اقلام فاقد کنترل کیفی بوده و به راحتی از طریق پوست و راه های تنفسی جذب بدن کودکان می شود. این محصولات در کوتاه مدت می توانند مشکلات حاد از جمله آلرژی های پوستی و تنفسی ایجاد کنند و در بلندمدت، به دلیل انباشت مواد شیمیایی در بدن، احتمال بروز سرطان، نابروری، اختلالات یادگیری و آسیب های سیستم عصبی را افزایش دهند. آرایش برای کودکان به بازی فروکاسته شده اما گاهی در عمل به بخشی از فرایند اجتماعی شدن آنان بدل شده است. در این میان، مرز میان بازی، مصرف و بازاریابی به طرز نگران کننده ای کمرنگ شده است. متخصصان هشدار می دهند که پوست و بدن کودکان بسیار حساس تر از بزرگسالان است و جذب این مواد از طریق پوست یا تنفس، می تواند، تبعات جبران ناپذیری داشته باشد. علاوه بر این، روان شناسان کودک معتقدند که آرایش در سنین پایین به نهادینه سازی هویت ظاهر محور، ساختار

روانی کودک را دگرگون می کند. کودک در سنینی که باید خلاقیت، استقلال و عزت نفس را تجربه کند با ارزش گذاری بیرونی بر ظاهر خود مواجه می شود. در چنین شرایطی، تصویر بدن از حالت طبیعی و بی واسطه، به ابژه ای برای بازخورد و تأیید بدل می شود. اهمیت این موضوع به حدی است که یونیسف نیز در هشدارهای مکرر خود، نسبت به بازنمایی جنسی بزرگسالان یا زیباشناسانه کودکان در رسانه ها و شبکه های اجتماعی هشدار داده است؛ بازنمایی هایی که می توانند منجر به اضطراب، کاهش اعتماد به نفس و حتی زمینه ساز آسیب های جدی تر شوند.

سکوت قانون برابر بهره کشی پنهان

در ایران، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (مصوب ۱۳۹۹) تصریح می کند که هر گونه بهره کشی اقتصادی، جسمی یا استفاده ابزاری از کودک که سلامت جسمی یا روانی او را به مخاطره اندازد، جرم محسوب می شود. استفاده از تصویر کودک آرایش شده در شبکه های اجتماعی یا تبلیغات برندهای آرایشی، حتی اگر از سوی والدین و با نیت سرگرمی انجام شود، ممکن است مصداق تبعات جبران ناپذیری داشته باشد. علاوه بر این، اگر چه کمتر مورد استناد قرار گرفته، می تواند پشتوانه ای برای مداخله اجتماعی برابر روندی باشد

که چهره ای بی خطر از خود نشان می دهد اما در باطن آسیب زاست.

آینده ای از سبک زندگی بزرگسالان

دکتر «محسن اصغری نکاح» روان شناس کودک و دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد، در تحلیل ریشه های این پدیده، آن را به تغییرات سبک زندگی بزرگسالان مرتبط می داند. او بیان می کند: «در سال های اخیر، تظاهر به زیبایی به بخشی از زندگی روزمره بزرگسالان تبدیل شده است. طبیعی ست که این گرایش، به دنیای کودکان نیز سرایت کند. او معتقد است که آرایش در کودکی تنها یک «شانه» نیست، بلکه بازتولید تصویری از موفقیت، مقبولیت و ارزشمندی ست که از سوی والدین و رسانه ها دائماً به کودک منتقل می شود. فیلترهای زیبایی، تصاویر فتوشاپ شده و فرهنگ دیده شدن، الگویی ایجاد می کنند که در آن ظاهر، اولویت اول است. اصغری نکاح می گوید: «وقتی کودک می بیند که آرایش باعث تحسین می شود، این تجربه در ذهن او نهادینه می شود. زیبایی ظاهری در رأس هرم ارزش های او قرار می گیرد و سایر توانمندی ها به حاشیه رانده می شود.» وی هشدار می دهد که این روند، فراتر از یک عادت ساده است؛ مسیری ست که ممکن است به فرسایش تدریجی هویت کودک بینجامد. «اگر ظاهر به ارزش غالب کودک بدل شود، در بزرگسالی نیز فرد دچار وابستگی روانی به تأییدهای ظاهری خواهد شد. چنین فردی، ممکن است نتواند ارتباطات عمیق یا شناختی پایدار از خود و دیگران داشته باشد.»

هویت کودک؛ در پیچ و خم نگاه ها

یکی دیگر از نگرانی ها، تأثیر این پدیده بر هویت جنسی کودکان است. مادر پسر بچه ای ۸ ساله می گوید که فرزندش گاهی لب هایش را قرمز می کند و سعی دارد مانند خواهرش آرایش کند. او این رفتار را طبیعی می داند اما اطرافیان اصرار دارند که کودک باید به روان شناس مراجعه کند. اصغری نکاح در پاسخ به این پرسش که آیا آرایش می تواند نشانه ای از بحران جنسیتی یا اختلال هویت جنسی باشد، چنین توضیح می دهد: «هویت جنسی پدیده ای چندوجهی است. آرایش تنها یکی از نشانه هاست و نباید آن را بیش از اندازه تفسیر کرد اما بی تردید، این رفتار می تواند بر هویت جنسیتی اثر گذار باشد،



مواد شیمیایی استفاده شده در این اقلام فاقد کنترل کیفی بوده و به راحتی از طریق پوست و راه های تنفسی جذب بدن کودکان می شود

به ویژه اگر در بستر تربیتی و فرهنگی مناسبی تعریف نشده باشد.»

سه راه متفاوت

سوال اینجاست که رفتار درست در مقابل کودکی که آرایش می کند، چیست؟ «حمید» پدر پسر ۸ ساله، معتقد است که سرکوب مستقیم، نتیجه معکوس دارد و می گوید: «من و همسرم به این علاقه کودک بی توجهی می کنیم. نه او را پس از آرایش تحسین می کنیم و نه واکنش منفی نشان می دهیم. نمی خواهیم آرایش در ذهن پسر ما به یک تابو تبدیل شود. واکنش ما لایم است تا خودش بفهمد که ارزش او به ظاهرش ربطی ندارد.» «ناهدی» مادر سارا ۹ ساله، با نگاهی مداخله گر تر می گوید: «من خودم برایش لوازم آرایش کودک خریده ام؛ بدون سرب، مخصوص پوست های حساس. ترجیح می دهم این تجربه زیر نظر من اتفاق بیفتد، نه پنهانی و با محصولات خطرناک. مهم تر از آن، گفت وگوست؛ درباره اینکه زیبایی یعنی چه و ارزش واقعی انسان کجاست.» اما در نقطه مقابل «هریم» مادر یک دختر ۶ ساله، ظاهر را ابزار ساختن اعتماد به نفس می داند: «دخترم مثل بقیه زیبانست. چرا از کمی آرایش برای بالابردن روحیه اش دریغ کنم؟» این دیدگاه از نظر روان شناس کودک، مسیر نگران کننده ای دارد. اصغری نکاح می گوید: «والدین باید مرز میان آراستگی و آرایش را برای



در سال های اخیر، تظاهر به زیبایی به بخشی از زندگی روزمره بزرگسالان تبدیل شده است. طبیعی ست که این گرایش، به دنیای کودکان نیز سرایت کند

کودک مشخص کنند. آراستگی فضیلت است اما نه در چارچوب نقش های بزرگسالانه. اگر کودک بدون درک این مرز، وارد فضای بزرگسالی شود، هویتش دچار انحراف خواهد شد.» اصغری نکاح بر لزوم «گفت وگویی هوشمندانه» میان والد و کودک تأکید می کند. به گفته او، حتی استفاده موقت از لوازم آرایش با نیت تربیتی نیز قابل توصیه نیست؛ چرا که ممکن است به الگویی تبدیل شود که بازگشت از آن دشوار است. او می افزاید: «در عصر فیلتر، تصویر و بازنمایی اغراق شده از زیبایی، خانواده تنها پناهگاه کودک برای یافتن معنای اصالت، شایستگی و عزت نفس است. اگر والدین این مأموریت را به بازار و شبکه های اجتماعی واگذار کنند، باید در آینده با هویتی متزلزل و وابسته به تأییدهای بیرونی مواجه شوند.»

معصومیت از دست رفته

میل خانواده ها و به دنبال آن کودکان، امروز نگرانی هایی برای جامعه به بار آورده است. مسئله سر یک وسیله آرایشی یا لاک نیست؛ مسئله، کودکی ست که به جای تجربه کردن، می موزد که دیده شود. در جهانی که ظاهر، ارزشی مستقل یافته، شاید مهم ترین مسئولیت خانواده این باشد که کودکش را به درون بازگرداند؛ به دنیایی که در آن، دوست داشتنی بودن به لیخنند، کنجکاوی و بی نیازی از تأیید بیرونی و آرایش های ظاهری مربوط است.



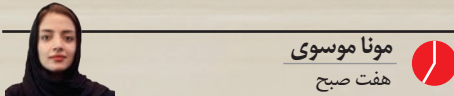


خط و نشان یارانه‌ای وزیر کار برای سه دهک بالای جمعیتی؛ تورم ۴۱ درصدی و فشار بر طبقه متوسط

حذف یارانه؛ درمان کسری بودجه یا تشدید بحران؟

با حذف یارانه ۳۶ میلیون نفر آخرین سنگر طبقه متوسط هم فرو می‌ریزد

حذف یارانه نقدی سه دهک بالای جمعیتی در حالی کلید می‌خورد که تورم ۴۱ درصدی کمر طبقه متوسط را خم کرده است. با تصمیم دولت برای قطع حمایت ۳۶ میلیون نفر، آیا آخرین سنگر معیشتی این طبقه فرو می‌ریزد یا سیاست‌گذاری عدالت‌محور راه نجاتی خواهد یافت؟ تصمیم وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای حذف یارانه نقدی دهک‌های هفت تا نه، موجی از نگرانی را در میان طبقه متوسط برانگیخته است. این دهک‌ها، با جمعیتی نزدیک به ۲۶ میلیون نفر، نه در زمره اقشار کاملاً آسیب‌پذیر؛ اما ستون فقرات اقتصاد مصرفی ایران را تشکیل می‌دهند. در شرایطی که تورم تیرماه ۱۴۰۴ به ۴۱ درصد رسیده، حذف یارانه نقدی این گروه‌ها می‌تواند ضرب‌های سنگین به معیشت آنها وارد کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد نیمی از هزینه‌های خانوارهای دهک هفتم از وام، فروش دارایی یا کاهش مصرف کالاهای ضروری تأمین می‌شود؛ واقعیتی که نشان‌دهنده شکنندگی مالی این طبقه است. وزیر کار، احمد میدری، استدلال می‌کند که کسری بودجه و نیاز به تقویت کالابرگ الکترونیک، حذف یارانه‌ها را اجتناب‌ناپذیر کرده است. اما منتقدان، از جمله نمایندگان مجلس مانند ولی داداشی، این تصمیم را در شرایط تورمی فعلی غیرمنطقی و پرخطر می‌دانند. حذف یارانه نقدی می‌تواند به کاهش قدرت خرید، رکود بازار مصرف، افت تولید داخلی و افزایش نرخ بیکاری منجر شود. مهم‌تر اینکه، این اقدام ممکن است شکاف طبقاتی را عمیق‌تر کرده و اعتماد عمومی به سیاست‌های رفاهی را تضعیف کند. گفت‌وگوی پیش‌رو، ابعاد این تصمیم جنجالی را از منظر اقتصادی و اجتماعی بررسی و پرسش‌هایی کلیدی را مطرح می‌کند: آیا دولت جایگزینی برای حمایت از طبقه متوسط دارد؟ و آیا این سیاست، هزینه‌ای سنگین‌تر از کسری بودجه به جامعه تحمیل نخواهد کرد؟



مونا موسوی
هفت صبح

بر خلاف تصور رایج، دهک‌های هفت تا نه، نه جزو ثروتمندان اند و نه در زمره اقشار کاملاً آسیب‌پذیر. آنها بخش بزرگی از طبقه متوسط را تشکیل می‌دهند؛ طبقه‌ای که در سال‌های اخیر زیر بار تورم، کاهش قدرت خرید و افزایش هزینه‌های زندگی قرار گرفته‌اند. حذف یارانه نقدی این گروه‌ها در شرایط تورمی فعلی، به معنای کاهش مستقیم درآمد قابل مصرف آنهاست و می‌تواند به کاهش رفاه عمومی منجر شود.

«احمد میدری» وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، نوزدهم مرداد اعلام کرد حذف یارانه سه دهک بالایی جامعه در دستور کار دولت و مجلس قرار دارد و وعده داده که افراد پیش از حذف، مطلع خواهند شد و امکان اعتراض برای آنها فراهم است.

اما استدلال وزیر مبنی بر کمبود منابع مالی دولت یا ضرورت تخصیص بخشی از این منابع به کالابرگ الکترونیک، در شرایط تورمی فعلی نمی‌تواند پاسخگوی نگرانی‌های اقتصادی جامعه باشد. این نوع توجیهات نشان می‌دهد که وزارت رفاه درک دقیقی از وضعیت معیشتی دهک‌های متوسط ندارد و تصمیم‌گیری‌ها بیشتر براساس محدودیت‌های بودجه‌ای صورت می‌گیرد تا بر پایه واقعیت‌های اجتماعی.

در واکنش به این تصمیم، برخی نمایندگان مجلس مانند «ولی داداشی» مخالفت خود را با حذف یارانه دهک‌ها اعلام کرده‌اند. آنها معتقدند که حذف یارانه دهک‌های متوسط در شرایط تورمی فعلی اقدامی غیرمنطقی و پرخطر است. این دهک‌ها نه حمایت‌های خاص بر خود دارند و نه توان مقابله با موج گرانی را دارند. در واقع، حذف یارانه آنها به معنای حذف آخرین ابزار حمایتی دولت از طبقه‌ای است که ستون فقرات اقتصاد مصرفی کشور را تشکیل می‌دهد. اعضای کمیسیون اقتصادی و اجتماعی مجلس خواستار ارائه گزارش شفاف از نحوه شناسایی دهک‌ها، ارزیابی دقیق پیامدهای حذف یارانه و معرفی جایگزین‌های حمایتی شده‌اند چون اجرای این تصمیم بدون اجماع کارشناسی و بدون در نظر گرفتن شرایط تورمی، می‌تواند به بی‌اعتمادی عمومی نسبت به سیاست‌های رفاهی دولت دامن بزند.

❖ ناآوانی در تأمین هزینه‌های زندگی

وزارت کار اخیراً اعلام کرده، حقوق ماهانه خانوارهای سه نفره تا ۴۵ میلیون تومان، برای خانواده‌های ۴ نفره تا ۵۲ میلیون تومان و برای ۵ نفره‌ها تا ۶۰ میلیون تومان، حذف یارانه را از بین

گزارش

نرخ مشارکت اقتصادی اندک ایرانی‌ها در مقایسه با سایر مناطق جهان

قهر زنان و افول بازار کار

حضور زنان ایرانی در صحنه اقتصاد حتی در بهترین سال‌ها، سه برابر کمتر از میانگین جهانی بوده و فرصت‌های شغلی به‌شدت محدود مانده است

❖ **گروه اقتصاد** | گزارش شاخص‌های کلان اقتصادی و اجتماعی در کشور نشان می‌دهد که بازار کار ایران در یک دهه گذشته جزو بدترین بازارهای کاری جهان بوده و در این میان، سیاست‌های متعددی که به پنهان‌سازی حمایت از اشتغال، به‌خصوص در حوزه اشتغال زنان وضع شده؛ نه تنها نتوانسته گره‌ای از مشکلات کشور باز کند بلکه نرخ حضور مردم در عرصه اشتغال یا جست‌وجوی شغل را به شدت تحت تأثیرات منفی قرار داده است.

❖ پایین‌تر از پایین‌ترین‌ها

نرخ مشارکت اقتصادی یا نرخ فعالیت اقتصادی، نشان‌دهنده درصد جمعیت در سن کار است که معمولاً بین ۱۵ سال و بالاتر در نظر می‌گیرند و از مجموع تعداد افراد شاغل و کسانی که در جست‌وجوی کار هستند، به دست می‌آیند. این



❖ نوسان مشارکت اقتصادی مردم زیر سایه تحریم و کرونا

نرخ مشارکت اقتصادی در ایران، به دلایل متعددی از جمله ناامیدی مردم از یافتن شغلی آبرومند با درآمد مناسب، جزو پایین‌ترین‌ها در جهان، آسیا و حتی خاورمیانه است. در سال‌های اخیر و با توجه به تکانه‌های شدید اقتصاد کشور به‌ویژه از سوی



متوسط، به‌عنوان نیروی محرکه توسعه، ثبات اجتماعی و مشارکت سیاسی، در صورت تضعیف بیشتر، ممکن است از نقش تاریخی خود فاصله بگیرد و جای خود را به دو قطب متضاد جامعه یعنی طبقه محروم و طبقه بر خودار بدهد.

طبقه متوسط با سهم قابل توجهی در مصرف کالاهای خدمات آموزشی، فرهنگی و درمانی، نقش مهمی در پویایی اقتصاد داخلی ایفا می‌کند. کاهش قدرت خرید این طبقه به‌واسطه حذف یارانه، می‌تواند منجر به رکود در بازارهای مصرفی، کاهش تقاضای مؤثر و در نهایت افت تولید داخلی شود. این چرخه معیوب، نه تنها به کاهش درآمدهای مالیاتی دولت منجر خواهد شد، بلکه می‌تواند نرخ بیکاری را نیز افزایش دهد. هرچند برخی مدعی هستند یک میلیون تا یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان دردی از زندگی دوا نمی‌کند اما برای خانواده‌ای که ۳۰ میلیون ماهانه درآمد دارد یعنی حذف ۵ درصد از درآمد یک ماهه‌اش.

همچنین باید توجه داشت در شرایطی که فاصله درآمدی میان دهک‌های بالا و پایین جامعه روز به روز بیشتر می‌شود، حذف یارانه نقدی دهک‌های متوسط می‌تواند به تعمیق شکاف طبقاتی منجر شود. این شکاف، اگر با کاهش خدمات عمومی و افزایش

هزینه‌های زندگی همراه شود، زمینه‌ساز نارضایتی‌های اجتماعی، کاهش اعتماد عمومی به نهادهای حاکمیتی و افزایش تنش‌های اجتماعی خواهد بود.

❖ لزوم بازنگری در سیاست‌های رفاهی با رویکرد عدالت‌محور

سیاست‌های رفاهی باید بر پایه عدالت اجتماعی، شناخت دقیق از وضعیت معیشتی اقشار مختلف و مشارکت کارشناسان مستقل طراحی شوند. حذف یارانه نقدی نباید به‌عنوان راه‌حل ساده برای جبران کسری بودجه تلقی شود، بلکه باید در چارچوب اصلاحات ساختاری، با در نظر گرفتن آثار اجتماعی، اقتصادی و روانی آن، مورد بررسی قرار گیرد.

در شرایط فعلی، به جای حذف یارانه نقدی دهک‌های متوسط، دولت می‌تواند مسیرهای جایگزین زیر را بررسی کند؛ هدفمند کردن یارانه‌ها براساس شاخص‌های دقیق درآمدی و هزینه‌ای نه صرفاً اطلاعات ثبتی، تقویت کالابرگ الکترونیک برای اقشار آسیب‌پذیر بدون حذف حمایت نقدی از طبقه متوسط، اجرای طرح‌های حمایتی مکمل مانند بیمه درمانی، کمک‌هزینه آموزش و مسکن برای دهک‌های میانی، شفاف‌سازی فرآیند شناسایی دهک‌ها و ارائه گزارش‌های عمومی برای افزایش اعتماد عمومی. بنابراین تصمیم‌گیری در حوزه رفاه اجتماعی باید با درک عمیق از واقعیت‌های زندگی مردم، به‌ویژه طبقه متوسط، همراه باشد.

❖ ضرورت بازتعریف نقش دولت در حمایت از طبقه متوسط

در شرایطی کنونی دولت باید نقش خود را فراتر از یک ناظر مالی ایفا کند و به‌عنوان تنظیم‌گر عدالت اجتماعی وارد عمل شود. حذف یارانه نقدی، اگر بدون جایگزین مؤثر و بدون ارزیابی دقیق انجام شود، نه تنها به کاهش رفاه عمومی منجر می‌شود، بلکه اعتماد به سیاست‌های اقتصادی را نیز تضعیف می‌کند. دولت باید به این نکته توجه کند که طبقه متوسط، برخلاف اقشار بسیار ضعیف یا بسیار ثروتمند، معمولاً در معرض نادیده گرفته شدن در سیاست‌گذاری قرار دارد. این طبقه نه صدای بلند اعتراضی دارد و نه قدرت چانه‌زنی اقتصادی بالا، اما نقش آن در حفظ ثبات اجتماعی و مشارکت مدنی بی‌بدیل است. یکی از مهم‌ترین الزامات اجرای هر سیاست اقتصادی، شفافیت در فرآیند تصمیم‌گیری و پاسخگویی به افکار عمومی است. حذف یارانه نقدی دهک‌های هفت تا نه، بدون ارائه گزارش‌های دقیق از نحوه شناسایی دهک‌ها، میزان تأثیر حذف بر معیشت خانوارها

۷

خانوارهای سه نفره با درآمد ماهانه تا ۴۵ میلیون تومان، چهار نفره تا ۵۲ میلیون و پنج نفره تا ۶۰ میلیون تومان در معرض حذف یارانه قرار ندارند؛ در حالی که چنین درآمدهایی در دهک هفت قرار ندارند اما گزارش وزارت کار تناقض دارد

طبق بررسی‌ها، نیمی از هزینه‌های خانوارهای دهک هفتم از منابعی غیر از درآمد رسمی تأمین می‌شود؛ مانند وام، فروش دارایی یا کاهش مصرف کالاهای ضروری. پس حذف یارانه می‌تواند به تعمیق شکاف درآمدی میان دهک‌های بالا و پایین، کاهش رفاه عمومی و افزایش بی‌اعتمادی اجتماعی نسبت به سیاست‌های رفاهی دولت منجر شود

و برنامه‌های جایگزین، می‌تواند به گسترش بی‌اعتمادی عمومی منجر شود.

حکمرانی مؤثر نیازمند آن است که دولت نه تنها به شاخص‌های مالی توجه کند، بلکه شاخص‌های اجتماعی مانند رضایت عمومی، عدالت توزیعی و تاب‌آوری اقتصادی خانوارها را نیز در نظر بگیرد. در غیر این صورت، سیاست‌های رفاهی به ابزارهای صرفاً حسابداری تبدیل می‌شوند که از واقعیت‌های زندگی مردم فاصله دارند.

اصلاح نظام یارانه‌ای کشور ضرورتی انکارناپذیر است اما این اصلاح باید تدریجی، هدفمند و با مشارکت کارشناسان مستقل انجام شود. حذف ناگهانی یارانه نقدی دهک‌های متوسط، بدون در نظر گرفتن تبعات آن، می‌تواند به بحران‌های اجتماعی و اقتصادی دامن بزند.

پیشنهاد می‌شود که دولت به‌جای حذف کامل یارانه نقدی، به سمت بازطراحی آن حرکت کند؛ به‌گونه‌ای که حمایت‌ها براساس نیاز واقعی خانوارها، نه صرفاً اطلاعات ثبتی یا دارایی‌های ظاهری، صورت گیرد. همچنین، استفاده از ابزارهای نوین مانند سامانه‌های هوشمند ارزیابی درآمد و هزینه، می‌تواند به هدفمند شدن یارانه‌ها کمک کند.

در نهایت، سیاست‌های اقتصادی و رفاهی باید با محوریت انسان و کرامت اجتماعی طراحی شوند می‌تواند به تضعیف پایه‌های اعتماد عمومی، افزایش شکاف اجتماعی و کاهش مشارکت مدنی منجر شود. دولت و مجلس باید با بازنگری در این تصمیم، نشان دهند که صدای طبقه متوسط را می‌شنوند و در مسیر سیاست‌گذاری، منافع بلندمدت جامعه را ملاحظات کوتاه‌مدت مالی ترجیح می‌دهند.



هم در شهرها و هم در روستاها بهبود می‌یابد و در سال‌های رکود، هر دو گروه از این بازار خارج می‌شوند. با این حال، همواره وضعیت مشارکت اقتصادی در روستاها بهتر از شهرها برآورد شده که البته نشان از این دارد که بخش غیررسمی اقتصاد که خارج از سیطره حداقل‌های قانونی است، در شهرها گسترده‌تری بیشتری دارد.

❖ آسیب‌پذیری بیشتر جوانان از بحران بیکاری

داده‌های اخیر مرکز آمار نشان می‌دهد که در ۹ سال گذشته، جمعیت جوان بین ۱۵ تا ۲۴ سال، بیش از همه گروه‌های سنی دیگر، درگیر موضوع بیکاری بوده‌اند. در این سال‌ها، نرخ بیکاری این جوانان بین پایین‌ترین نقطه یعنی ۲۰،۱ درصد در سال ۱۴۰۲ تا ۲۹،۲ درصد در سال ۱۳۹۵ در نوسان بوده که نشان می‌دهد بیکاری این قشر از سایر گروه‌ها بالاتر بوده است. در همین بازه زمانی، پسران جوان، نرخ بیکاری بین ۱۷،۷ تا ۲۹،۲ درصد را تجربه کرده و در مقابل، دختران جوان چونیده کار با آمار بین ۳۰،۴ تا ۴۴،۲ درصد بیکاری را م‌زه کرده‌اند که نشان می‌دهد اوضاع برای آنها اصلاً مساعد نبوده است.

همچنین بیکاری جوانان در شهر همواره بالاتر از همتایان روستاشنین بوده و در حالی که جوانان روستایی نرخ بیکاری بین ۱۷،۴ تا ۲۲،۵ درصد را تحمل کرده‌اند، جوانان شهرنشین بین ۱۵ تا ۲۴ سال درگیر نرخ بیکاری ۲۱،۱ تا ۳۲،۳ درصدی بوده‌اند.

❖ بازار کار استاندارد برای مردان؛ کوچک برای زنان

همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد، برآوردهای سال ۲۰۲۳ نشان می‌دهد نرخ مشارکت مردان در اقتصاد جهان حدود ۷۵ درصد و نرخ مشارکت زنان حدود ۴۷ درصد بوده است. نرخ مشارکت اقتصادی مردان در ۹ سال گذشته بین ۶۸،۱ تا ۷۱ درصد در نوسان بوده که اختلاف چندان عمیقی با استاندارد جهانی ندارد. در مقابل، این نرخ برای زنان بین ۱۳،۳ تا ۱۷،۶ درصد نوسان دارد که نشان می‌دهد این شاخص جهانی برای زنان در بهترین حالت بازار کار ایران، ۲۵ تا ۲۵،۵ برابر نرخ مشارکت اقتصادی زنان بوده یا به عبارت بهتر، فرصت‌های مناسب شغلی بسیار کمتری نسبت به نرم جهانی، در اختیار زنان ایرانی قرار می‌گیرد. همچنین مقایسه سهم روستاییان و شهرنشینان از مشارکت فعالانه اقتصادی نشان می‌دهد که در سال‌های رونق این بازار، وضعیت



بررسی ابعاد و زوایای نشست آلاسکا و تاثیر آن بر معادلات منطقه‌ای

ترامپ و پوتین؛ استقبال گرم و بدرقه‌ای سرد

صحنه‌آرایی نشست بیش از آنکه حامل اراده‌ای برای مصالحه باشد، باز تولید یک نمایش قدرت بود

حسین قاطمی
هفت صبح

بعد از روزها گمانه‌زنی و تحلیل، شاهد برگزاری دیدار دو ساعت و نیمه بین ولادیمیر پوتین و دونالد ترامپ در آلاسکا بودیم؛ دیداری که به‌رغم تشریفات پرزرق و برق و بازتاب گسترده رسانه‌ای، در عمل دستوراد دیپلماتیک قابل توجهی نداشت و بیش از هر چیز به صحنه‌ای برای نمایش تبلیغاتی و جنگ روایت‌ها بدل شد. پرسش اصلی اینجاست که چرا این نشست نتوانست مسیر بحران اوکراین را تغییر دهد و در عوض چگونه توانست در سطح افکار عمومی جهان به‌عنوان یک رخداد بزرگ جلوه کند؟

صحنه‌سازی در آلاسکا؛ سیاست قدرت در پوشش نمادها

محل برگزاری دیدار در آلاسکا، آن هم در پایگاه مشترک المندورف-ریچاردسون نه‌تنها انتخابی نمادین بود، بلکه حاوی پیام‌های ژئوپلیتیکی آشکاری نیز محسوب می‌شد. آلاسکا هم از منظر تاریخی یادآور پیوندهای روسیه و آمریکاست و هم از نظر نظامی جایگاهی راهبردی در معادلات قطب شمال دارد. برگزاری این نشست در فضای آمیخته از نمادهای جنگ سرد، از فرش قرمز و کاروان‌های تشریفاتی گرفته تا حضور جنگنده‌ها و بمبافکن‌های استراتژیک همگی یادآور رقابت سنتی مسکو و واشنگتن بود.

از منظر تبلیغاتی، کرملین موفق شد با این انتخاب، گذشته ابرقدرتی شوروی را یادآوری کند؛ به‌ویژه آنکه حضور سرگئی لاوروف با پیراهنی منقش به حروف CCCP خود پیام سیاسی آشکاری به جهان مخابره کرد. در این چارچوب، صحنه‌آرایی نشست بیش از آنکه

حامل اراده‌ای برای مصالحه باشد، بازتولید یک نمایش قدرت بود؛ جایی که دو بازیگر بزرگ تلاش کردند تصویر خود را در مقام رهبران بلامنزاع عرصه جهانی بازسازی کنند.

صلح اوکراین؛ خیلی دور، نه خیلی نزدیک

اگرچه پوتین و ترامپ هر دو در اظهارات رسمی خود از مذاکرات «سازنده» و «مثبت» سخن گفتند اما ماهیت بحران اوکراین اجازه دستیابی به توافق عملی را نداد. پوتین بار دیگر بر سه محور کلیدی کرملین شامل تضمین امنیت مناطق تحت اشغال، مخالفت با عضویت اوکراین در ناتو و اتحادیه اروپا و تغییر ساختار قدرت در کی‌یف تأکید کرد. در مقابل، ترامپ هر چند لحنی آشتی‌جویانه برگزید اما در عمل و به صراحت اعلام کرد که «هیچ توافقی تا زمانی که همه چیز نهایی نشود، وجود ندارد».

این موضع نشان می‌دهد که حتی اگر برخی مسائل جزئی مورد تفاهم قرار گرفته باشد، اختلافات بنیادی همچنان حل‌نشده باقی مانده است. از نگاه واشنگتن، هر گونه توافقی بدون مشارکت زلنسکی و متحدان اروپایی غیر قابل دوام است، حال آنکه مسکو از حذف کی‌یف از میز مذاکره استقبال می‌کند. به همین دلیل، نشست آلاسکا بیش از آنکه به حل بحران نزدیک شود، پرده‌ای تازه از تضادها را آشکار کرد.

ترامپ و پوتین؛ اتحاد تاکتیکی یا رقابت استراتژیک؟

یکی از نکات برجسته این نشست، نحوه تعامل شخصی دو رهبر بود. ترامپ کوشید رابطه گرم و صمیمی خود با پوتین را برجسته کند و حتی دعوت خود به دیدار بعدی در مسکو را شدنی دانست. در مقابل، پوتین با اعتماد

به‌نفس از «همسایگی تاریخی» دو کشور سخن گفت و بر اشتراکات گذشته تأکید کرد. این نزدیکی لفظی در سطح شخصی، اگرچه فضای رسانه‌ای را تحت تأثیر قرار داد اما در سطح استراتژیک نمی‌تواند اختلافات ژرف میان دو کشور را بپوشاند. واقعیت آن است که روابط مسکو-واشنگتن در پایین‌ترین سطح خود از زمان جنگ سرد قرار دارد و هر چند تماس مستقیم میان رهبران می‌تواند از تشدید تنش جلوگیری کند اما تا زمانی که منافع امنیتی بنیادین دو طرف متعارض باشد، «اتحاد تاکتیکی» رهبران نمی‌تواند به «توافق پایدار» بدل شود. به بیان دیگر، رابطه پوتین و ترامپ بیشتر یک بازی دوگانه است چون از یک‌سو نمایش نزدیکی برای مدیریت افکار عمومی و از سوی دیگر تداوم رقابت برای تثبیت موقعیت جهانی.

جنگ روایت‌ها؛ پیروزی کرملین در عرصه تبلیغات

شاید مهم‌ترین دستوراد نشست آلاسکا نه عرصه دیپلماسی، بلکه در میدان تبلیغات رقم خورد. تصاویر پوتین در کنار ترامپ، حضور در تشریفات رسمی آمریکا و حتی سوار شدن بر خودروی ریاست‌جمهوری این کشور، در رسانه‌های جهان بازتاب گسترده یافت و این پیام را منتقل کرد که روسیه همچنان بازیگری هم‌سنگ آمریکا در نظام بین‌الملل است. برای پوتین، همین بازنمایی تصویری به‌منزله دستورادی راهبردی بود. در شرایطی که روسیه با فشار تحریم‌های غرب و انزوا دیپلماتیک مواجه است، نشان دادن او در مقام «مذاکره‌کننده برابر با آمریکا» می‌تواند نمایش قدرت بر دیپلماسی پیشی‌گرفته است. به همین دلیل، اگرچه دو رهبر وعده دیدارهای بعدی را دادند اما چشم‌انداز صلح در اوکراین همچنان دور و مبهم به

نکته

بهره‌برداری رئیس‌جمهوری ترکیه از تنش‌های منطقه‌ای

اردوغان، شعبده‌باز بحران

رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه، با استفاده از تنش‌های منطقه‌ای مانند تجاوز اسرائیل به ایران، در پی منحرف کردن توجه عمومی از چالش‌های داخلی فرانیزه است. این استراتژی به او امکان می‌دهد تا تصویر خود را به‌عنوان رهبری قدرتمند که از منافع ملی دفاع می‌کند، تقویت کند، بدون اینکه ترکیه را به‌طور مستقیم درگیر یک جنگ فعال کند. تنش‌های منطقه‌ای به اردوغان فرصتی می‌دهند تا با بهره‌گیری از روایت‌هایی مانند تهدید اسرائیل، مخالفان داخلی را تضعیف کرده و پایگاه رأی‌دهندگان خود را که به‌دلیل مشکلات اقتصادی و سیاسی شکننده شده، تحکیم کند. این رویکرد به‌ویژه در شرایطی که حزب عدالت و توسعه (AKP) در نظرسنجی‌ها از حزب حاکم به زیر ۳۰ درصد، افتاده، حیاتی است. کاهش حمایت عمومی از حزب حاکم به زیر ۳۰ درصد، برای اولین بار از سال ۲۰۰۲، نشان‌دهنده نارضایتی گسترده از سیاست‌های دولت است. سرکوب مخالفان، به‌ویژه اکرم امام‌آوغلو، شهردار مخالف استانبول و محدودیت‌های سیاسی اعمال‌شده بر او و طرفدارانش، تنها به تشدید این ناامیدی دامن زده است. در این فضا، اردوغان از درگیری‌های خارجی به‌عنوان ابزاری برای تغییر گفتمان ملی استفاده می‌کند. برای مثال، او در آتش به درخواست رهبر مخالفان برای تحریم کسب‌وکارهای حامی دولت، این اقدام را در بحبوحه تنش‌های منطقه‌ای «بی‌مسئولانه» خواند و توجه را به مسائل خارجی معطوف کرد. این تاکتیک به او امکان می‌دهد تا تمرکز عمومی را از مشکلات داخلی مانند بحران هزینه‌های زندگی و سرکوب سیاسی به سمت تهدیدات خارجی هدایت کند.

نقش دیپلماسی اردوغان در تقویت جایگاه بین‌المللی و داخلی
اردوغان با استفاده از جایگاه استراتژیک ترکیه در منطقه، خود را به‌عنوان یک بازیگر کلیدی دیپلماتیک معرفی می‌کند. سخنرانی اخیر او در گروه پارلمانی حزیش، که با نمایش ویدئویی از دیدارهایش با رهبرانی چون دونالد ترامپ، ولادیمیر پوتین، مسعود پزشکیان و محمد بن سلمان همراه بود، نمونه‌ای از تلاش او برای نشان دادن نقش محوری خود در تنش‌زایی منطقه‌ای است. این تصویرسازی نه‌تنها به تقویت جایگاه بین‌المللی او کمک می‌کند، بلکه در داخل کشور نیز به‌عنوان ابزاری برای نمایش قدرت و مشروعیت سیاسی به کار می‌رود. اردوغان با تأکید بر اینکه قطبی‌سازی و اختلافات داخلی ترکیه نتیجه مداخلات خارجی است، تلاش می‌کند تا نارضایتی‌های داخلی را به عوامل بیرونی نسبت دهد. این روایت به او امکان می‌دهد تا مخالفان را به‌عنوان تهدیدی برای وحدت ملی معرفی کند و خود را در جایگاه رهبری قرار دهد که قادر به مدیریت بحران‌های پیچیده بین‌المللی است. این استراتژی در شرایطی که حزب او در نظرسنجی‌ها با اختلاف بیش از پنج درصد از اپوزیسیون عقب است، به‌عنوان راهی برای جلب حمایت عمومی و کاهش فشارهای سیاسی عمل می‌کند. علاوه بر این، اهمیت ژئوپلیتیکی ترکیه به‌عنوان پل ارتباطی بین شرق و غرب، به اردوغان اهرم لازم برای حفظ ارتباط سیاسی در داخل را می‌دهد. او با مانور دادن در دیپلماسی منطقه‌ای، نه‌تنها خود را به‌عنوان یک رهبر منطقه‌ای تثبیت می‌کند، بلکه از این موقعیت برای توجیه سیاست‌های داخلی خود نیز بهره می‌برد. این امر به‌ویژه در شرایطی که محدودیت‌های قانون اساسی مانع از نامزدی او در انتخابات ۲۰۲۸ می‌شود، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. بدون اکثریت سه‌پنجم در پارلمان با اصلاح قانون اساسی، اردوغان برای ادامه قدرت خود به استراتژی‌های خلاقانه‌ای مانند بهره‌برداری از بحران‌های منطقه‌ای وابسته است.

پیامدهای بلندمدت استراتژی اردوغان

استفاده مداوم اردوغان از تنش‌های منطقه‌ای برای مدیریت چالش‌های داخلی، اگرچه در کوتاهمدت مؤثر به‌نظر می‌رسد، اما در بلندمدت خطرانی را به‌همراه دارد. وابستگی بیش از حد انحراف افکار ترکیه به تحولات خارجی ممکن است توانایی دولت برای حل مشکلات ریشه‌ای مانند بحران اقتصادی و کاهش اعتماد عمومی را تضعیف کند. سرکوب مخالفان و محدودیت‌های سیاسی، مانند آنچه در مورد اکرم امام‌آوغلو دیده می‌شود، می‌تواند به افزایش نارضایتی عمومی و تقویت اپوزیسیون منجر شود. علاوه بر این، تکیه بر بی‌ثباتی منطقه‌ای برای حفظ قدرت داخلی، ترکیه را در معرض خطر ژئوپلیتیکی قرار می‌دهد. اگرچه اردوغان تاکنون نتوانسته از ترکیه را به‌طور غیرمستقیم درگیر کند و هزینه‌های سیاسی و اقتصادی سنگینی به‌بار آورد. داده‌های نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که حزب عدالت و توسعه در حال از دست دادن حمایت خود است و بدون اصلاحات ساختاری ی موفقیت در مدیریت بحران‌های داخلی، این روند ممکن است ادامه یابد.

آماره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
آماره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شهریار
حیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۸۲۳۶/۱۰۵۷۰۳۰۱۴۰۴۶۰۱۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهریار تصرفات مالکانه بالامعارض متقاضی آقای عزیز علی گروسی فرجام فرزند محمدعلی بشماره ملی ۴۰۳۲۳۱۴۱ بصورت ششداگ کل باب ساختمان به مساحت ۲۶۰۹۹ متر مربع قسمتی از پلاک ۴۵۷۲۱ واقع در شهرستان شهریار خریداری از مالک رسمی آقای جعفر رضائی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۱۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۲۶
م.الت ۱۴۵۵۱
۲۷۳

آماره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
آماره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شهریار
حیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای اصلاحی شماره ۸۲۳۶/۱۰۵۷۰۳۰۱۴۰۴۶۰۳۰۱ پرو رای شماره ۲۵۴۳۵/۱۰۵۷۰۳۶۰۳۰۱۴۰۳۶۰۳۰۱۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهریار تصرفات مالکانه بالامعارض متقاضی آقای علی الله زارعی فرزند جعفر بشماره ملی ۴۰۳۰۸۰۱۱۷۱ بصورت ششداگ کل باب ساختمان به مساحت ۱۸۰ متر مربع قسمتی از قطعه دو در صورتتمجلس تفکیکی ۱۳۴۴ مورخ ۶۲/۳/۴۱ از پلاک ۵۰/۲۹۵ واقع در شهرستان شهریار خریداری از مالک رسمی آقای حسن درگاهی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۱۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۲۶
م.الت ۱۴۵۴۶
۲۷۸

حیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۸۲۳۶/۱۰۵۷۰۳۰۱۴۰۴۶۰۳۰۱ مورخه ۱۴۰۴/۰۴/۲۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهریار تصرفات مالکانه بلاعارض متقاضی آقای آقامر الله خیرخواه فرزند محمد بشماره شناسنامه ۸۳۷۷ صادره ازگرمشماره بخش سه شهرداری به مساحت ۱۲۴ متر مربع در قسمتی از پلاک ۱۸۲ اصلی واقع در گرمشماره بخش سه شهرداری از مالک رسمی آقای نجمت محمد سلیمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۴۴۴/۰۴/۲۶ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۱۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۲۶



انقضای تحریم‌های سازمان ملل در اکتبر ۲۰۲۵ است. فعال‌سازی مکانیسم ماشه که تحریم‌های گسترده‌ای ازجمله ممنوعیت غنی‌سازی را باز می‌گرداند، می‌تواند ایران را در تنگنای اقتصادی و سیاسی قرار دهد اما این اقدام برای اروپا نیز هزینه‌زااست. حذف احتمالی اروپا از مذاکرات آینده، همان‌طور که عراقچی هشدار داده، می‌تواند نفوذ دیپلماتیک اروپا را در منطقه کاهش دهد. از سوی دیگر، ایران با تأکید بر صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای خود و درخواست تضمین عدم حمله آمریکا و جبران خسارات جنگی، به دنبال ایجاد توازن در مذاکرات است. تجاوز اسرائیل که به آتش‌بس منجر شد، نشان داد ایران توانای پاسخ نظامی و تحمیل هزینه به رقیب را دارد که این امر می‌تواند اهرمی در مذاکرات باشد. احتمال موافقت تهران با تمدید شش‌ماهه، به‌ویژه در روزهای پایانی اوت، می‌تواند نشانه‌ای از استراتژی خرید زمان برای موقت منجر شود.

غنی شده و توقف پروتکل الحاقی متهم کرده اما به خروج یک‌جانبه آمریکا در ۲۰۱۸ و ناکامی اروپا در جبران خسارات ناشی از آن اشاره‌ای نمی‌کند. این رویکرد یک‌جانبه که «عباس عراقچی» آن را فاقد «پایه حقوقی» و اخلاقی خوانده، نشان‌دهنده تناقضی در موضع‌گیری تروئیکااست. اروپا با تأکید بر نقض تعهدات ایران از ۲۰۱۹، عملاً زمینه‌سازی حقوقی برای ماشه را دنبال می‌کند اما ندیده گرفتن قصور خود در اجرای تعهدات اقتصادی برجام، اعتبار این موضع را تضعیف می‌کند.

ایران که کاهش تعهداتش را به‌عنوان حقی مشروع تحت بندهای برجام و در پاسخ به خروج آمریکا توجیه می‌کند، با موضع‌گیری سخت عراقچی که تهدید به حذف اروپا از مذاکرات آینده کرده، نشان داده که حاضر به پذیرش فشار یک‌جانبه نیست. این تنش دیپلماتیک، در کنار حملات اخیر به تأسیسات هسته‌ای ایران، فضای مذاکراتی را پیچیده‌تر کرده اما اظهارات تهران مبنی بر آمادگی برای گفت‌وگو با دولت جدید آمریکا، نشانه‌ای از انعطاف استراتژیک است که می‌تواند به توافقی مثبت دهد.

اتهامات یک‌جانبه و تناقضات دیپلماتیک تروئیکا

تروئیکا در نامه خود، ایران را به نقض تعهدات برجامی، ازجمله غنی‌سازی ۶۰ درصدی اورانیوم، انباشت ۸۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم

بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل طبق قطعنامه ۲۲۳۱، سعی در ترسیم خطوط قرمز دارد. این اقدام، به‌ویژه در شرایطی که مذاکرات استانبول در ژوئیه ۲۰۲۵ «دشوار» توصیف شده و پیشنهاد تمدید مهلت از سوی ایران بی‌پاسخ مانده، می‌تواند به‌عنوان هشدار برای تسریع تصمیم‌گیری تهران تفسیر شود. با این حال، لحن نامه که همچنان بر دیپلماسی و پیشنهاد تمدید محدود قطعنامه تأکید دارد، نشان‌دهنده تمایل به حفظ کانال‌های گفت‌وگو است. این دوگانگی تهدید به فعال‌سازی مکانیسم ماشه و همزمان دعوت به مذاکره، حاکی از استراتژی چندلایه‌ای است که هدف آن، نه لزوماً اجرای تحریم‌ها، بلکه وادار کردن ایران به انعطاف در مذاکرات پیش از انقضای تحریم‌ها در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ است. گزارش‌های مبنی بر احتمال موافقت ایران با تمدید شش‌ماهه، این فرضیه را تقویت می‌کند که تهران ممکن است در روزهای پایانی ضرب‌الاجل، با هدف خرید زمان و کاهش فشار، به این پیشنهاد پاسخ دهد.

فشار روانی در سایه ضرب‌الاجل اوت ۲۰۲۵

ارسال پیشاپیش این نامه، دو ماه پس از حملات نظامی آمریکا و اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران، بیش از آنکه نشانه عزم قطعی برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه باشد، تلاشی برای ایجاد فشار روانی بر تهران است. تروئیکا با تأکید بر «حق حقوقی روشن» خود برای

گروه سیاسی | نامه اخیر تروئیکای اروپا (فرانسه، آلمان و بریتانیا) به سازمان ملل که در آن تهدید به فعال‌سازی مکانیسم ماشه در صورت عدم بازگشت ایران به مذاکرات هسته‌ای تا پایان اوت ۲۰۲۵ دوباره تکرار شده، به نظر می‌رسد بیش از آنکه یک اقدام حقوقی قاطع باشد، مانوری سیاسی-دیپلماتیک برای اعمال فشار روانی بر تهران باشد. این نامه که به امضای وزرای خارجه سه کشور رسیده و به آنتونیو گوترش و شورای امنیت ارسال شده، در فاصله ۱۵ روزه تا ضرب‌الاجل اعلام‌شده، می‌تواند یادآور استراتژیک بودن این مهلت باشد. با توجه به گزارش‌هایی مبنی بر احتمال موافقت ایران با تمدید شش‌ماهه مهلت، می‌توان استدلال کرد که اقدام تروئیکا ترکیبی از تاکتیک فشار و حفظ اهرم دیپلماتیک است، در حالی که ایران با اتخاذ موضعی سخت‌اما انعطاف‌پذیر، می‌تواند این بازی را به نفع خود هدایت کند.

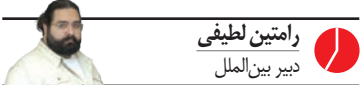
فشار روانی در سایه ضرب‌الاجل اوت ۲۰۲۵

ارسال پیشاپیش این نامه، دو ماه پس از حملات نظامی آمریکا و اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران، بیش از آنکه نشانه عزم قطعی برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه باشد، تلاشی برای ایجاد فشار روانی بر تهران است. تروئیکا با تأکید بر «حق حقوقی روشن» خود برای



وقتی چین با هوش مصنوعی نمایش اقتدار می دهد

المپیک رباتیک؛ برشی از آینده



رامتین لطفی

نیر بین الملل

پکن پایتخت چین، از ۱۵ تا ۱۷ اوت ۲۰۲۵ میزبان «بازی‌های جهانی ربات‌های انسان‌نما» بود، رویدادی که با عنوان «المپیک رباتیک» شناخته شد و به‌عنوان ویتروینی برای نمایش پیشرفت‌های چشمگیر چین در حوزه هوش مصنوعی و رباتیک درخشید. این رویداد سه‌روزه که در استادیوم ملی اسکیت سرعت پکن برگزار شد، ۲۸۰ تیم از ۱۶ کشور از جمله ایالات متحده، آلمان، برزیل و چین را گرد هم آورد. ربات‌های انسان‌نما در رشته‌های متنوعی از جمله دوومیدانی، تنیس روی میز، فوتبال و چالش‌های تخصصی مانند مرتب‌سازی داروها، جابه‌جایی مواد و خدمات نطفاتی به رقابت پرداختند. این بازی‌ها نه‌تنها نمایشی از فناوری بود، بلکه گامی بلند در راستای تحقق چشم‌انداز چین برای رهبری جهانی در صنعت رباتیک به شمار می‌رفت.

چشم‌انداز چین برای آینده رباتیک

چین از مدت‌ها پیش رباتیک را به‌عنوان یکی از ستون‌های اصلی توسعه فناوری خود در نظر گرفته است. در سال ۲۰۱۴، شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، در کنفرانس آکادمی علوم و مهندسی چین، ربات‌ها را «جواهر تاج صنعت تولید» خواند و بر اهمیت تحقیق، توسعه و کاربرد آنها به‌عنوان معیاری برای سنجش نوآوری و نوآمندی‌های صنعتی یک کشور تأکید کرد. این دیدگاه در سال ۲۰۱۵ با پیام تبریک ششی به اولین کنفرانس جهانی رباتیک تقویت شد، جایی که او از نقش رباتیک به‌عنوان نمادی از انقلاب فناوری و صنعتی‌سختن گفت. در سال ۲۰۲۴، لی کیانگ، نخست‌وزیر چین نیز در بازدید از نمایشگاه جهانی رباتیک، بر ضرورت تسریع نوآوری در این حوزه برای ایجاد نیروهای تولیدی جدید و بهبود کیفیت زندگی مردم تأکید کرد. این بازی‌ها که بخشی از کنفرانس جهانی رباتیک ۲۰۲۵ بود، با محوریت «هوش مصنوعی + رباتیک» برگزار شد و به موضوعاتی مانند روندهای فناوری، جهت‌گیری‌های صنعتی، استانداردها و پرورش استعدادها پرداخت.

رقابتی هیجان‌انگیز و پرچالش

در زمین بازی‌های پکن، ربات‌های انسان‌نما لحظاتی تماشایی و گاه طنزآمیز خلق کردند. در مسابقات فوتبال مجازی، ربات‌ها به یکدیگر برخورد کرده و در هر دقیقه به زمین افتادند. در مسابقات دوی ۱۵۰۰ متر نیز یکی از ربات‌ها در اوج سرعت ناگهان سقوط کرد و واکنش‌های پرشوری از تماشاگران برانگیخت. با وجود این تاکنی‌ها، توانایی برخی ربات‌ها در بلند شدن مستقل بدون کمک انسان، تشویق‌های بی‌وقفه تماشاگران را به دنبال داشت. بلیت‌های این رویداد با قیمت ۱۲۸ تا ۵۸۰ یوان (حدود ۱۸ تا ۸۱ دلار) به

عکس روز

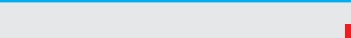
الماس ابدی رونالدو و چند قلم دیگر

پس از جنجال‌های فراوان پیرامون حلقه ازدواج رونالدو و جورجینا، نوبت به هدایای دیگر رسید

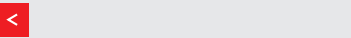


لباس‌های برند به ارزش ۱۸.۷ هزار پوند که با دقت برای تکمیل استایل جورجینا انتخاب شده‌اند. یک منبع نزدیک به این زوج اعلام کرد که رونالدو ماه‌ها برای انتخاب این هدایا برنامه‌ریزی کرده و هر یک را با توجه به علایق جورجینا برگزیده است. این هدایا نه‌تنها ارزش مادی بالایی دارند، بلکه نشان‌دهنده شناخت عمیق او از سبک زندگی و سلیقه نامزدش هستند. داستان عاشقانه رونالدو و جورجینا از سال ۲۰۱۶، زمانی که جورجینا به‌عنوان فروشنده در فروشگاه کوچی در مادرید کار می‌کرد، آغاز شد. این زوج که

کیوسک



نیویورک تایمز آمریکا مانند تمام رسانه‌های مخالف ترامپ، دیدار او با پوتین در آلاسکا را نمایش بی‌فایده و مذذوبخانه خواند که هیچ کارکرد و نتیجه در خوری نداشت و حتی می‌شد به جای این مراسم، با رد و بدل کردن چند ایمیل انجام شود.



فایننشال تایمز انگلیس، تیتز اصلی خود را به تب در حال فروکش داروهای لاغری اختصاص داد و در پرونده‌ای ویژه به سراغ این پدیده رفت. بروز آثار سوء و مخرب برخی از این داروها سبب شده تا تقاضا در جهان با کاهش مداوم همراه شود.



چهار روز

الک بالدوین، بازیگر سرشناس، از اقدام دونالد ترامپ برای سلطه فدرال بر پلیس واشنگتن دی‌سی به شدت انتقاد کرد و آن را «دیوانگی» خواند. او در ویدیویی در تیک‌تاک، به خاطراتش از واشنگتن در دهه ۱۹۷۰ و دوران انقلاب ایران اشاره کرد، زمانی که دانشجویان در پارک لافی‌ت عکس‌های شاه ایران را در اعتراض به جنایات رژیم پهلوی سوزاندند. بالدوین گفت: آن زمان در واشنگتن آزادی بود اما حالا روشن کردن کبریت در پارک می‌تواند خطرناک باشد و به این منجر شود که پلیس شما را با گلوله بزند. او سلطه فدرال بر پلیس را نگران‌کننده دانست و هشدار داد که این اقدام ممکن است به شهرهای دیگر مانند نیویورک و شیکاگو گسترش یابد. بالدوین با اشاره به مشکلات واقعی مانند تعرفه‌ها و جنگ غزه، سلطه بر پلیس را تلاشی برای پنهان کردن ناکارآمدی دولت دانست.

ینگه دنیا

بوی دود و باروت و خون

بیش از ۸۵ درصد زنان، ۹۰ درصد از کودکان زیر ۱۴ سال و ۹۱ درصد از جوانان بین ۱۵ تا ۲۴ ساله که در جهان با اسلحه به قتل می‌رسند، آمریکایی هستند

که در همان سال، مجموع ارزش دارایی‌های شرکت آمازون به تنهایی بیش از ۲ هزار میلیارد دلار و تولید ناخالص ملی آمریکا حدود ۲۷ هزار میلیارد دلار بود. پس پافشاری روی تولید سلاح و حمایت از قانون حمل و فروش آزادانه آن، توجیه اقتصادی مستقیم برای صاحبان اسلحه‌سازی ندارد. اما با نگاه جزئی‌نگرانه‌تر درمی‌یابیم که وجود اسلحه در خانه‌های آمریکایی‌ها سبب شده است تا در این کشور برای هر محل اجتماعی از مهدکودک‌ها و مدارس گرفته تا شرکت‌ها و سازمان‌های بزرگ خصوصی و دولتی، نیروی حفاظتی و حراستی استخدام شوند. برای مثال، مدارس آمریکا سالانه حدود ۴ میلیارد دلار و دولت نیز برای حفاظت از املاک و ساختمان‌های خود در سراسر کشور سالانه بیش از ۷۰ میلیارد دلار خرج می‌کند. صاحبان شرکت‌هایی که این نیروی حفاظتی و حراستی را تأمین می‌کنند، افراد با نفوذی هستند که اغلب دل در گروی حزب جمهوری‌خواه دارند و هیچ دلیل است که اصلاح این قانون کوهی است که کسی به تنهایی توان از میان برداشتنش را ندارد.

باید بگوییم که بر اساس مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته، دسترسی آزادانه به سلاح سبب افزایش سه برابری در قتل‌های خانوادگی شده و به طور قطع احساس آرامش و امنیت درون خانه‌ها را کاهش داده است. کشتار با اسلحه سالانه ده‌ها هزار کشته روی دست آمریکایی‌ها می‌گذارد. برای مثال در حد فاصل بین سال‌های ۱۹۶۸ تا ۲۰۲۳، بیش از دو میلیون نفر با اسلحه کشته شده‌اند که بیش از نیمی از آن خودکشی بوده است. در سال ۲۰۲۳، حدود ۱۸ هزار نفر با اسلحه‌های خانگی به قتل رسیدند و ۲۷ هزار نفر هم با استفاده از اسلحه‌های خانگی خودکشی کردند. مرگ بر اثر اصابت گلوله در آمریکا در مقایسه با کشورهای دیگری که حمل سلاح در آنها آزاد است، ۲۵ برابر است و حدود ۸۰ درصد از این دست مرگ‌ها مربوط به این کشور است. بیش از ۸۵ درصد زنان، ۹۰ درصد کودکان زیر ۱۴ سال و ۹۱ درصد از جوانان بین ۱۵ تا ۲۴ ساله که در جهان با اسلحه به قتل می‌رسند، آمریکایی هستند.

یک نگاه ساده‌انگارانه وجود دارد که می‌گوید پول جابه‌جا شده در صنعت اسلحه‌سازی سبب می‌شود که نتوانند جلوی این کار را بگیرند اما باید بگوییم در سال ۲۰۲۳، مجموع ارزش اقتصادی صنعت سلاح و مهمات حدود ۹۰ میلیارد دلار بود. این در حالی است

حق حمل سلاح، ریشه در تاریخ و فرهنگ آمریکا دارد و به متمم دوم قانون اساسی این کشور بازمی‌گردد. این حق که پس از جنگ استقلال در سال ۱۷۸۳ به عنوان نمادی از آزادی و خودمختاری ناپه‌نیده شد، امروز به یکس از پیچیده‌ترین و بحث‌برانگیزترین مسائل اجتماعی در آمریکا تبدیل شده است. در حالی که برخی آن را تضمینی برای امنیت فردی و دفاع در برابر تهدیدات می‌دانند، آمار و ارقام نشان‌دهنده واقعیتی تلخ است: اسلحه‌های گرم، به جای ایجاد آرامش، به عاملی برای افزایش خشونت، قتل و خودکشی تبدیل شده‌اند. این گزارش با نگاهی به آمار به‌روز شده سال ۲۰۲۴ و تحولات اخیر، به بررسی ابعاد این بحران می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه این سنت دیرینه، به چالشی حل‌نشدنی برای جامعه آمریکا بدل شده است.

متمم دوم قانون اساسی آمریکا از حمل سلاح توسط مردم حمایت می‌کند و نگهداری از سلاح در خانه‌ها به یک سنت آمریکایی بدل شده و نشانی از اصالت آمریکایی خانواده است. این فرهنگ پس از جنگ استقلال در برابر بریتانیا در سال ۱۷۸۳ مرسوم شد و تا امروز ادامه دارد. این سنت امروز به یک بحران بزرگ و حل‌نشدنی در آمریکا بدل شده است. امروز طبق آخرین آمار رسمی، حدود ۴۸۰ میلیون قبضه اسلحه در دستان مردم آمریکا وجود دارد که تنها حدود ۳۵۰ میلیون از آن دارای شناسنامه و شماره سریال است. یعنی به ازای هر ۱۰۰ آمریکایی، ۱۲۰ قبضه اسلحه در این کشور وجود دارد و جالب است بدانید ۴۳ درصد اسلحه‌های جهان که در دست غیرنظامیان است، مربوط به آمریکاست. از این تعداد، حدود ۲۵۰ میلیون قبضه مربوط به سلاح‌های کمری، ۱۰۰ میلیون قبضه تفنگ، ۲۵ میلیون قبضه شاتگان و ۶۰ میلیون قبضه سلاح نیمه‌اتوماتیک جنگی است، به علاوه از حدود ۱۳۰ میلیون قبضه اسلحه غیرقانونی موجود هم اطلاعات دقیقی در دست نیست.

حامیان این فاجعه در حمایت از این قوانین دو برهان عمده را ارائه می‌دهند، اول اینکه دسترسی به سلاح موجب اطمینان و طیب خاطر دارند آن و موجب حس امنیت در خانه‌ها می‌شود و دوم اینکه نقطه اتکایی برای مردم است که در صورت لزوم مقابل دولت بایستند و از خود دفاع کنند. در رد مورد اول

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



«روزی روزگاری آمریکای ۲»: جدایی تارانتینو، ورود فینچر



کوئنتین تارانتینو بار دیگر دست به حرکتی غیرمنتظره زد؛ او در حالی که «هنتد سینما» را به عنوان دهمین و آخرین فیلمش معرفی کرده بود، این پروژه را به دلیل «ملال آور بودن» کنار گذاشت و حالا فیلمنامه دنباله روزی روزگاری در هالیوود را به دیوید فینچر سپرده است. فیلم جدید که با عنوان «ماجراجویی‌های دامه‌دار کلیف بوث» ساخته می‌شود، بار دیگر برد پیت را در نقش بدلکار خونسرد و پررمز و راز هالیوودی بازمی‌گرداند اما این بار پشت دوربین نه تارانتینو بلکه خالق فیلم‌های سینمایی «هفت» و «شبکه اجتماعی» ایستاده است. تارانتینو در گفت‌وگویی با پادکست «کلیسای تارانتینو» توضیح داد: «من این فیلمنامه را خیلی دوست داشتم اما نمی‌خواستم آخرین فیلمم تکرار مسیر گذشته باشد. باید به قلمروی ناشناخته وارد شوم. اینکه فینچر خواهد اثری از من را اقتباس کند، سطح جدیت کار را نشان می‌دهد.» بودجه این فیلم نزدیک به ۲۰۰ میلیون دلار است و برخلاف بسیاری از پروژه‌های پرخرج هالیوود، اهمیت چندانی به فروش گیشه نمی‌دهد. به گفته تارانتینو، احتمال دارد فیلم تنها برای مدت کوتاهی در سینماهای بزرگ اکران شود تا تنها راهی حضور در اسکار باز کند.

پژوهش



منتقدان، فیلم پر زرق و برق کوشینسکی و پیت را تحسین کردند

ساز سینما که در پیست فرمول یک خوب نواخته شد

«اف ۱» پر فروش ترین فیلم سال و پر شانس ترین نامزد اسکار ۲۰۲۶ شد

کلیشه‌ها و خطوط داستانی را داشته باشد که در فیلم‌های مشابه درباره مسابقات اتومبیل‌رانی و ورزش دیده‌اید و احتمالا می‌توانید از همان ابتدا حدس بزنید که این فیلم به کجا می‌رسد اما با این حال، احتمالا یکی از تأثیر گذارترین و هیجان‌انگیزترین فیلم‌های مسابقه‌ای است که تاکنون ساخته شده، همین فیلم است.

هالیوود ریپورت

❖ نوشته لوو یا گیار کی

«اف ۱» تجربیات سانی را به عنوان یک راننده مسن‌تر دنبال می‌کند که سعی دارد جایگاه خود را در ورزشی پیدا کند که با دوران اوج او بسیار متفاوت است. جدا از تصاویر کوشینسکی از مسابقات، برخی از هیجان‌انگیزترین عناصر فیلم با تفاوت‌های بین نسلی میان سانی و جاشوا شکل می‌گیرد. ضمن اینکه فیلم به بررسی چگونگی تغییر این ورزش هم می‌پردازند. مسابقات فرمول یک همیشه در مورد پول بوده است (تیم‌ها اغلب نیم میلیون دلار برای رانندگانی که در مسابقات شرکت می‌کنند، پرداخت می‌کنند). در این رشته ورزشی مانند بسیاری از ورزش‌های دیگر، ورزشکاران باید برای حفظ اهمیت خود خارج از پیست، جذابیت‌هایشان را حفظ کنند. سانی به هیچ یک از این موارد توجه نمی‌کند، اما جاش، یکی از دو راننده سیاه‌پوست در این داستان غیرواقعی از مسابقات، نمی‌تواند چنین نگرشی داشته باشد. لوییس هاملتون، اولین و تنها راننده سیاه‌پوست فرمول یک، به تولید فیلم کمک کرد و در «اف ۱» در نقش خودش ظاهر می‌شود. لحظه‌ای تأثیر گذار نزدیک به پایان فیلم وجود دارد که شخصیت او قبل از مسابقه، برای مدت کوتاهی به جاشوا خبره می‌نگرد و با ظرافت به مسئله کلیدی تنوع نژادی در این ورزش اشاره می‌کند. همچنین یک فیلم اشاره‌ای به آینده دارد که در آن دسترسی به مسابقات فرمول یک کم‌هزینه‌تر و در نتیجه فراگیرتر می‌شود.

کاردین

❖ نوشته پیتربردشاو

مسابقات اتومبیل‌رانی ورزشی است که در آن به نظر می‌رسد اعضای تیم اصلی به همان اندازه که با حریف رقابت می‌کنند، با یکدیگر نیز رقابت دارند؛ به همین خاطر است که باید سوز و آیدال‌ی برای مضمون یک فیلم باشد. در «اف ۱» کمی حماقت مردانه وجود دارد، اما فیلم پرزرق و برقی که با کارگردانی جوزف کوشینسکی، همه چیز کنار هم قرار گرفته بسیار سرگرم‌کننده است. شخصیت کری کاندون همانند ماده سوخت حیاتی در داستان است و برای یک بی‌باور به فرمول یک همچون من، فیلم سورئال و دیدنی است.

گروه فرهنگ و هنر | «اف ۱» ساخته جوزف کوشینسکی یکی از فیلم‌های موفق فصل تابستان و سال ۲۰۲۵، چه از لحاظ فروش و چه از نگاه منتقدان است. در سایت راتن تومیتوز برآیند امتیاز منتقدان ۸۲ درصد و در متاکریتیک ۶۸ درصد است. حتی کارشناسان شانس نامزدی فیلم در رشته بهترین فیلم اسکار سال ۲۰۲۶ را محتمل می‌دانند. «اف ۱» هشتمین فیلم پر فروش امسال لقب گرفته است. این فیلم می‌تواند آغازگر فصل جدیدی در کارنامه بازگری برد پیت نیز باشد.

نیویورک پست

❖ نوشته جانی اولکسینسکی

برای اولین بار، کارگردانی واقعا می‌داند که چگونه سرمایه را خرج کند. مسابقات واقعی به نظر می‌رسند، نفس‌گیر هستند و به سرعت برق تدوین شده‌اند. از همه مهم‌تر، بیننده کاملا باور می‌کند که برد پیت و دامسون ایدریس واقعا این ماشین‌ها را می‌رانند. وقتی ماشین‌ها چپ می‌کنند و آتش می‌گیرند، وحشت می‌کنیم. غافلگیری‌های فیلم همین جاست. در فیلمنامه‌ای با سیر تحول شخصیت‌ها، کاملا قابل پیش‌بینی است که تمام شور و شوق از مسابقه جایزه بزرگ می‌آید. اگر چه به سختی می‌توان به فیلمی که بیشترش در پیست و سکوهای ورزشگاه می‌گذرد، لقب «عجیب و غریب» داد، اما رویدادهای «اف ۱» در سراسر جهان – دیتونا، بریتانیا، لاس وگاس، ابوظبی، مجارستان، هلند – واقعا حس و حال سفر به بیننده می‌دهند. مکان‌های دورافتاده، عظمت این ورزش را دو چندان می‌کنند.

کولایدر

❖ نوشته راس بوینی

«اف ۱» مانند «تاپ‌گان: ماوریک» یکی دیگر از فیلم‌های تابستانی بزرگ با بازی یکی از بزرگ‌ترین ستاره‌های سینما در جهان است. فیلمی درباره نسل گذشته که سعی دارد با ستاره‌های جوان رقابت کند. با این واقعیت که ممکن است دوران‌شان به پایان رسیده باشد. با این حال، این فیلم موفق می‌شود در عین حال کاملا مثل «تاپ‌گان: ماوریک» اما با ماشین‌های فرمول یک شبیه نباشد. «اف ۱» از آن نوع فیلم‌هایی است که شما را وادار می‌کند به سینما بروید. از آن نوع فیلم‌های پر زرق و برقی که باعث می‌شود بخواهید در سینما بنشینید، دوازده‌واور پاپ کورن بخورید. مثل اینکه تام کروز هستید و فیلم «ماموریت غیر ممکن: حساب نهایی» را تماشا می‌کنید و این‌طور از یک اکران بزرگ و سرگرم‌کننده با گروهی از غریبه‌ها لذت ببرید. به طور کلی «اف ۱» ممکن است همان

بلی لیست

❖ نوشته رودریگو پرز

کوشینسکی می‌داند که چگونه ساز خود، یعنی سینما، را بنوازد.

او به عنوان رهبر ارکستر و ارکستراتور این درام ورزشی سمفونیک بزرگ، می‌داند که

قلب و روح به اندازه ماهیت دورنی و خطرناک مسابقات

اتومبیل‌رانی حیاتی هستند. مسابقات به طرز ماهرانه‌ای

توسط فیلمبردار برنده جایزه اسکار، کلادیو

میراندا، به تصویر کشیده شده است. داشتن آهنگساز

برنده چندین جایزه اسکار، بفتسا و گرمی، هانس زیمر

(تل‌ماسه) در تیم نیز بی‌تأثیر نیست. زیمر الهام‌بخش و

ستودنی است و به افزایش تنش، خطرات موجود، تعلیق و

شجاعت مورد نیاز برای پیروزی با اوج‌گیری نت‌ها و سرودگونه

کمک می‌کند.



داستان واقعی‌ترین مسابقات اتومبیل‌رانی در فیلم «اف ۱»

برد پیت ۲۰ سال منتظر فرمول یک بود

❖ برد پیت رکورد خودش را زد؛ تنها ۵ ثانیه از سریع‌ترین رانندگان فرمول ۲ عقب‌تر بود

یاس علی‌قانی

مترجم

جوزف کوشینسکی، کارگردان آمریکایی است که به فیلم‌های اکشن با ویژگی‌های گرافیک و تصاویر کامپیوتری شهرت دارد. این فیلم به جز کوشینسکی و پیت، با پنج تهیه‌کننده دیگر چون جری بروکهایمر (تاپ‌گان: ماوریک)، لوییس هاملتون (برنده هفت دوره قهرمانی جهان فرمول یک) تولید شده است.

❖ داستان فیلم
برد پیت در نقش سانی هیز راننده سابق فرمول یک است که پس از ۳۰ سال غیبت به پیست مسابقات فرمول یک بازمی‌گردد. هیز تصمیم دارد با بازگشت به هم‌تیمی‌اش جاشوا پیرس (با بازی دامسون ایدریس) کمک کند تا تیم APXGP را فروپاشی نجات پیدا کند و در رقابت با ۱۰ تیم دیگر تجربه برد را داشته باشد. دامسون ایدریس، کری‌کنند، توبیاس منزیس و خاویر باردوم دیگر بازیگران «اف ۱» طوفانی هستند.

❖ مسابقاتی که در پیست واقعی فیلمبرداری شد
سکانس‌های مسابقات «اف ۱» در مسابقات واقعی فرمول یک فیلمبرداری شد. مسابقات گرندپری بریتانیا و مسابقات پایان فصل ۲۰۲۴ جایزه بزرگ ابوظبی صحنه حضور گروه فیلمبرداری برای ضبط تصاویر بسیار واقعی برای فیلم بودند. تیم خیالی APXGP با حضور برد پیت در پیست مسابقات فرمول یک، در جریان برگزاری مسابقات حضور پیدا می‌کردند تا آنچه از تصاویر که قرار است بر پرده سینما نقش ببندد، واقعی‌تر تصاویری باشد که بینندگان خواهند دید. گروه تولید باید در ۱۰ تا ۱۵ دقیقه، لحظه‌ها را ثبت می‌کردند و سریع‌تر از انتظار یک تیم تصویربرداری صحنه را ترک می‌کردند. صحنه‌هایی که امکان برداشت مجدد نداشت؛ تمام صحنه‌های حیاتی فیلم تنها در یک برداشت ضبط شدند! البته برای ثبت نماهایی که از درون خودروها انجام شد، سونی کنار گروه فیلمبرداری قرار گرفت. این شرکت دوربین‌های بسیار کوچکی با اسم «Carmen» و یژه این فیلم و تصاویر ویژه‌اش طراحی کرد و در اختیار تیم تولید گذاشت. این دوربین‌ها در ۱۵ نقطه از خودرو نصب می‌شدند، می‌چرخیدند، کنترل از راه دور داشتند و برای نمایش در فرمت IMAX ساخته شده بودند.

❖ مسابقات واقعی‌ترین فیلم مسابقات ساخته شد
پیت جرقه اولیه ساخت این فیلم را این‌طور تعریف می‌کند: «جوزف کوشینسکی و جری بروکهایمر، تازه فیلمبرداری تاپ‌گان ماوریک را تمام کرده بودند. در ملاقاتی که با هم داشتیم به من گفتند، می‌خواهیم واقعی‌ترین فیلم مسابقه‌ای را که تا به امروز دیده‌ایم بسازیم. فکر می‌کنم توانستیم. ما واقعی‌ترین فیلم مسابقه‌ای را ساختیم.»

❖ سرانجام واقع‌گرایانه‌ترین فیلم مسابقات ساخته شد
پیت جرقه اولیه ساخت این فیلم را این‌طور تعریف می‌کند: «جوزف کوشینسکی و جری بروکهایمر، تازه فیلمبرداری تاپ‌گان ماوریک را تمام کرده بودند. در ملاقاتی که با هم داشتیم به من گفتند، می‌خواهیم واقعی‌ترین فیلم مسابقه‌ای را که تا به امروز دیده‌ایم بسازیم. فکر می‌کنم توانستیم. ما واقعی‌ترین فیلم مسابقه‌ای را ساختیم.»

❖ پیت پشت فرمان نشست و رکورد زد!
اما چرا «اف ۱» واقعی‌ترین فیلم مسابقه‌ای سینما شد؟ یکی از مهم‌ترین شاخص‌های آن حضور برد پیت در تمام طول فیلم است. هیچ صحنه‌ای از مسابقات با حضور بدلکارها یا قرار گرفتن روی تریلر فیلمبرداری نشد. برد پیت راننده تمام صحنه‌های مسابقه است. او و هم‌تیمی‌اش در فیلم، کنار تمام رانندگان حرفه‌ای مسابقات فرمول یک، سوار بر ماشین شدند و در پیست رانندند. برد پیت برای صحنه‌های رانندگی فیلم، ماه‌ها آموزش دید تا بتواند با سرعت بالای ویژه فرمول یک رانندگی کند. آموزش و تمرین پیت، او را به رکورد جالبی رساند. در پایان فیلمبرداری او تنها ۵ ثانیه از سریع‌ترین رانندگان فرمول ۲ عقب‌تر بود! پیت این تجربه شگفت‌انگیزش را این‌طور توضیح می‌دهد:

«وقتی به ساخت فیلم رسیدیم، دیگر نمی‌توانستیم با پس‌بکشم.

❖ عشق کودکی به نقش امروز رسید
پیت حضور در فیلم «اف ۱» و نقشی که بر عهده داشته را یکی از فوق‌العاده‌ترین تجربه‌های حرفه‌کاری خود توصیف و بابت این تجربه از کمک و حمایت تمام عوامل سازنده فیلم قدر دانی می‌کند. او می‌گوید، همیشه عاشق مسابقات اتومبیل‌رانی بوده است. «با مسابقات جکی استوارت (راننده سابق فرمول یک) بزرگ شدم.



وزارت راه و شهرسازی
سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای استان اذربایجان غربی

آگهی مناقصات

کارفرما: اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای استان اذربایجان غربی
آدرس: ارومیه – خیابان والفجر ۲ – ترسیده به پل میثم – اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده ای استان اذربایجان غربی

ردیف	نام پروژه	شماره مناقصه	برآورد اولیه	تقسیم
۱	لکه گیری و روکش آسفالت محور نقده (محمدیار) – مه‌باد (شهرستان نقده)	۰۴ – ۳۸	۲۵۶,۱۳۴,۸۵۴,۱۲۵	۱۲,۸۰۶,۳۴۲,۷۰۶

سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور صلاحیت پیمانکاری راه و ترابری ۵ تصویر گواهی معتبر بهمره ظرفیت کاری از سامانه ساجار ضمیمه گردد.

(۱) تحویل (فروش) اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۲ تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۲۷ می‌باشد.
فقط از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir

(۲) مهلت ارسال پاسخ فراخوان تا ساعت ۱۹:۰۰ سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۱

(۳) تاریخ برگزاری پیشنهادهای از طریق سامانه ستاد رو چهارشنبه ساعت ۰۸:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۲

وقتی رود ولگای روسی نفس دریای خزر را می گیرد

مرگ آرام بزرگ ترین دریاچه جهان

اگر سیاست خارجی و قوانین تازه به موقع نرسند، بزرگ ترین دریاچه جهان

قربانی بعدی سوءمدیریت و دخالت های انسانی خواهد بود



حمید سلیمانی
هفت صبح

سواحل دریای خزر، همواره مقصد اصلی ایرانیانی است که در تعطیلات، می خواهند هوایی بخورند و چندروزی به اتفاق دوستان یا خانواده، خوش بگذرانند. با این حال شمالی (گیلان، مازندران و گلستان) به این آبی بیکران دوخته شده و زندگی صدها هزار ایرانی، از کسی که ویلا اجاره می دهد، تا کارکنان بنادر انزلی، نوشهر و ترکمن، ماهیگیرانی که در طلب روزی، تور به آب دریا می اندازند و هزاران کاسب محلی خرده فروش و عمده فروش، به این نعمت بزرگ و مسافران رهسپار به سوی آن دوخته شده است. با این حال، هر سال که به دیدار این دریا بروید، عقب نشینی تدریجی آب به سمت دریا و ردی که به صورت خطوط موازی روی ساحل به جای گذاشته، چشم را می زند؛ واقعیتی که با خشک شدن تالاب های وابسته، نه فقط انسان، بلکه گونه های متعدد جانوری از پرندگان گرفته تا ماهیان خوشمزه این دریا را تهدید می کند. مرکز پژوهش های مجلس، در گزارش اخیر، نسبت به این موضوع حیاتی هشدار داده و از دستگاه سیاست خارجی گرفته تا مجلس، همه را به استمداد طلبیده که با اریزنی های گسترده و تصویب قوانین جدید، سعی کنند از تکرار تجربه ناگوار دریاچه ارومیه، این بار با ابعدای بسیار دهشتناک تر، جلوگیری به عمل آورند.

۱ | بازگشت به نقطه بحران پس از ۵۰ سال

نقشه دریای خزر که براساس دریای بالتیک ترسیم شده نشان می دهد که در سال های اخیر، سطح این پهنه بزرگ آبی محصور میان ایران، روسیه، قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان، ۲۸ متر پایین تر از نقطه صفر نقشه بر داری ساحل بالتیک است؛ اتفاقی بسیار بد که تنها در سال ۱۹۷۵ دیده شده بود. در اینجا باید تفاوت میان سطح آب و تراز آب روشن شود. سطح آب همان چیزی است که با چشم می بینیم؛ عقب نشینی خط دریا از ساحل یا بالا آمدن آن. اما تراز آب، مقیاسی علمی و قراردادی است که سطح دریا را نسبت به یک مرجع ثابت، مثل نقشه برداری ساحل بالتیک، می بسنجد. به همین دلیل وقتی گفته می شود تراز آب خزر ۲۸ متر پایین تر از بالتیک است، یعنی ارتفاع سطح آن نسبت به این نقطه مرجع ۲۸ متر منفی ثبت شده است، نه اینکه آب دقیقاً همین اندازه عقب نشینی کرده باشد. البته تاریخ نشان داده که آب دریای خزر در ۱۰ هزار سال گذشته، نوسانات شدیدی را تجربه کرده و حتی ۸۵۰۰ سال پیش، تراز آب دریای خزر حدود ۷۰ متر پایین تر از سطح کنونی بوده، با این حال، تفاوت این دو برهه تاریخی، در میزان دخالت های غیر طبیعی است. اگر ۸۵۰۰ سال پیش، اتفاقات طبیعی و خشکسالی احتمالی آب یزها به این دریاچه، باعث کاهش تراز آب دریای خزر بوده، این روزها عوامل غیر طبیعی در این تخریب بزرگ زیست محیطی دست به کارند.

۲ | پشت سدهای ولگا

حیات دریای خزر، بیش از تغذیه از آب های زیرزمینی و بارش نزولات آسمانی، به جریان ورودی آب از رودخانه های منتهی به این دریاچه وابسته است. رودخانه های ورودی به دریای خزر شامل «ولگا»، «ورال»، «ترک»، «سوالک»، «سمور»، «کورا» و «سفیدرود» می شوند که حدود ۸۰ درصد منابع ورودی آب به دریا را تأمین می کنند و به طور کلی تخمین زده می شود که متوسط آبدهی این رودخانه ها به خزر حدود ۳۰۰ کیلومتر مکعب در سال باشد. با این حال، نقش این رودخانه ها در حیات خزر متوسط است و در حالی که سفیدرود، بزرگترین رود ورودی به ایسن دریا از ایران تنها سالی ۳ کیلومتر مکعب آب به این پهنه آبی تزریق می کند، آبدهی متوسط رودخانه ولگا در طول ۱۵۰ سال گذشته بین ۱۵۰ تا ۳۶۸ کیلومتر مکعب در سال متغیر بوده است. در این بین، احداث سدهای متعدد روی رودخانه ولگا با ۱۷۵ کیلومتر مکعب ظرفیت، باعث شده تا شریان اصلی حیات خزر، بی رمق تر از همیشه باشد.

۳ | خزر؛ قربانی اخیر جنگ اوکراین و روسیه
در سال های اخیر، روسیه ۴۰ سد روی رود ولگا ساخته و ۱۸ سد دیگر نیز در دست مطالعه و ساخت است. این امر، جریان آب ورودی به دریای خزر را کاهش داده است. علاوه بر این، تهاجم روسیه به اوکراین و

آب دهی متوسط رودخانه ولگا در طول ۱۵۰ سال گذشته بین ۱۵۰ تا ۳۶۸ کیلومتر مکعب در سال متغیر بوده است. در این بین، احداث سدهای متعدد روی رودخانه ولگا با ۱۷۵ کیلومتر مکعب ظرفیت، باعث شده تا شریان اصلی حیات خزر، بی رمق تر از همیشه باشد

۱۹۹۵ تا ۲۰۱۴ انجام شد که کاملاً با دوره قبلی افزایش تشکیل تالاب و افزایش سطح آب دریای خزر مرتبط بود. با تعداد بیشتر تالاب ها، می توان نشان داد که گونه های بیشتری از پرندگان از این مسیر مهاجرتی استفاده می کنند. این تحقیقات نشان داد که پیش بینی حضور مجدد جوامع پرندگان با ظهور یا ناپدید شدن تالاب های بزرگ بسیار در ارتباط است. این گلوگاه های مهاجرتی، این روزها توسط آلودگی نفتی تالاب ها و ساخت بزرگراه های اصلی شمالی – جنوبی تهدید می شوند.

۶ | خاویار کمیاب خزر، ناباب می شود

تالاب ها و کارکردهای بومسازگانی آنها و همچنین آبی بروری در حال توسعه سریع، به شدت تحت تأثیر کاهش سطح آب خزر قرار دارند. یک نمونه از تأثیر بر ماهیگیری، کاهش مناطقی است که برای تولیدمثل ماهیان خاویاری بسیار ارزشمند و مناسب هستند. این امر منجر به تسهیل شکار غیرقانونی، افزایش شوری و غلظت آلاینده ها و محدودیت تولیدمثل ماهیان در دهانه رودخانه ها می شود. این امر به ویژه برای ماهیان خاویاری نگران کننده است؛ زیرا آنها از دلناها و تالاهای کم عمق به عنوان دوره های تولیدمثل استفاده می کنند. در دهه ۱۹۷۰ و با کاهش سطح آب خزر، تعداد ماهیان خاویاری کاهش یافت و در مناطق کم عمق، آب ها شور تر و پوشش گیاهی متراکم تر شد. در دهه ۱۹۸۰ و به رغم افزایش مجدد تخلیه ولگا، جمعیت ماهیان خاویاری بهسود نیافت زیرا کاهش قبلی جریان ولگا با ساخت سدها تأثیر منفی بر ماهیان خاویاری داشت که برای بالغ شدن و تخم ریزی اول خود به زمان نیاز دارند. همچنین افزایش مجدد سطح آب باز دست دادن مناطق تخریبی همراه بود.

۷ | تاثیر مخرب افت خزر بر فعالیت های اقتصادی

سواحل دریای خزر چه در ایران و چه در ترکمنستان و آذربایجان، سلالانه میزبان میلیون ها گردشگری هستند که به این مناطق سفر می کنند و این سه کشور، با ایجاد زیرساخت های گردشگری در امتداد ساحل مثل هتل ها، ویلاها، پارک های تفریحی و مناطق شنا، سعی دارند تا بهره ای از صنعت توریسم ببرند؛ از جمله پروژه بلندپروازانه آذربایجان به نام توسعه هلال ماه روی یک جزیره مصنوعی که شامل ساختمان های ۴۳ طبقه و یک هتل ۳۲طبقه است. در همین حال، بنادر متعددی در کشور های واقع در سواحل دریای خزر ایجاد شده که وظیفه ترانزیت کالا و مسافران بین این ۵ کشور را برعهده دارند. علاوه بر تمامی این موارد، ایجاد تاسیسات نفتی در سواحل شمالی دریای خزر، مستلزم ثبات نسبی در تراز آبی دریای خزر است که کاهش مداوم سطح آب، می تواند تمامی این فعالیت های اقتصادی را دچار اختلال جدی کند.

گزارش

روایت تلخ خریداران مودم های استوک

که به جای اتصال اعتماد را قطع می کنند

فریب در جعبه های براق



پیام عابدی
هفت صبح

این روزها، کافی است سری به خیابان های پر از مغازه های تجهیزات دیجیتال بزنید یا در فروشگاه های آنلاین گشتی بزنید تا با انبوهی از جعبه های براق مودم مواجه شوید. فروشنده ها با شور و حرارت از «نو بودن» این دستگاه ها، سرعت های خیره کننده، امکانات پیشرفته و گارانتی های مطمئن سخن می گویند. برای ایرانیانی که سال هاست با قطعی های مکرر اینترنت ثابت و همراه کلنجار می روند، این وعده ها مانند روزنه ای از امید است که اینترنتی پایدار، سریع و قابل اعتماد را نوید می دهد اما اغلب، این امید به سرعت رنگ می یازد. پشت بسته بندی های شیک، دنیایی از دستگاه های بازسازی شده، قطعات غیراصل و وعده های توخالی پنهان است که اعتماد مصرف کننده را به بازی می گیرد.

❧ فریب با جعبه های شیک

روایت های تلخ خریداران مودم های به ظاهر نو، تصویری یکدست و تلخ از بازار دیجیتال ایران ترسیم می کند. ابراهیم، کارمند ۳۵ساله ای که به امید اینترنتی پایدار برای دور کاری مودمی گران قیمت خرید، می گوید: «کارن آنقدر تمیز بود که فکر کردم دستگاه نویی خریده ام اما خط و خش های بدنه و تفاوت شماره سریال روی جعبه و دستگاه، همه چیز را لو داد.» او می افزاید که دستگاه پس از چند هفته استفاده داغ می کرد و مرتب از کار می افتاد. سارا، دانشجوی ۲۴ساله ای که از کندی اینترنت موبایل خسته شده بود، به وعده های یک فروشنده درباره مودمی با قابلیت «تجمیع باند» دل بست اما نتیجه خرید دستگاهی بود که در عمل حتی از مودم قدیمی اش ضعیف تر بود. او با خنده ای تلخ می گوید: «روی کاغذ قهرمان بود، ولی در واقعیت حتی نمی توانست یک ویدیوی آموزشی را بدون قطعی پخش کند.» رضا، مرد میانسالی که تجربه مشابهی را د، از قفل های نرم افزاری دستگاهش شکایت می کند: «پنل کاربری قفل بود و فقط وارد کننده به تنظیمات اصلی دسترسی داشت. مثل این بود که ماشین بخری، ولی فقط اجازه داشته باشی سوارش شوی امنی توانی آن را روشن کنی!» این تجربه ها تنها نمونه هایی از انبوه شکایات مشتریان است. کابل های بی نام و نشان، آداپتورهای غیراستاندارد که خطر آتش سوزی دارند، دفترچه های راهنمای نامرتبط و گارانتی هایی که فقط روی کاغذ وجود دارند، همگی بخشی از این بازار آشفته اند.

❧ گارانتی های کاغذی و خدمات پس از فروش خیالی

یکی از دردناک ترین جنبه های این بازار، نبود خدمات پس از فروش واقعی است. محمد که مودمی با وعده گارانتی یکساله خریده بود، می گوید: «بعد از یک ماه دستگاه خراب شد. نه بر گارانتی در جعبه بود، نه شماره پشتیبانی پاسخ می داد. انگار پولم را دور ریخته بودم.» این تجربه برای بسیاری آشناست. نگار، خریدار دیگری، پس از دو ماه استفاده متوجه شد مودمی که با قیمت بالا خریده، در واقع مدل ارزان تری است که با بسته بندی فریبنده عرضه شده. او می گوید: «در این بازار، انگار فریب خوردن بخشی از معامله است.» بررسی ها نشان می دهد بسیاری از این مودم ها که به عنوان دستگاه های نو فروخته می شوند، در واقع بازسازی شده یا برای بازارهای دیگر طراحی شده اند. قطعات غیراصل، آداپتورهای معیوب و پورت های خراب، ریسک هایی هستند که خریداران را تهدید می کنند. یک خریدار دیگر، احمد، از داغ شدن زودهنگام دستگاهش می گوید: «چراغ های مودم یک روز روشن شدند و بعد برای همیشه خاموش ماندند. وقتی دستگاه را باز کردم، دیدم قطعاتش انگار از چند دستگاه مختلف جمع شده اند.»

❧ خلأ نظارتی و اقتصاد شکننده

چرا بازار مودم های استوک در ایران تا این حد آشفته است؟ کارشناسان معتقدند که ریشه این مشکل در چند عامل نهفته است. نخست، خلأ نظارتی است. سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولید کنندگان، به دلیل کمبود منابع یا پیچیدگی های بازار دیجیتال، توانایی نظارت کامل بر این بازار را ندارد. نبود استانداردهای مشخص برای گارانتی و خدمات پس از فروش، فضا را برای سودجویی باز کرده است. وارد کنندگان غیررسمی و واسطه ها که در سایه نوسانات ارزی و مشکلات اقتصادی فعال تر شده اند، با عرضه دستگاه های بازسازی شده به عنوان نو، سودهای کلانی به جیب می زنند. علیرضا حسینی، کارشناس فناوری اطلاعات، می گوید: «در بسیاری از کشورها، فروش کالاهای استوک با برچسب های شفاف و استاندارد انجام می شود. مشتری دقیقاً می داند چه چیزی می خرد و از خدمات پس از فروش مطمئن است. اما در ایران، استوک بودن دستگاه پنهان می ماند و این ریسک را برای مصرف کننده بالا می برد.» او معتقد است که نبود شفافیت در زنجیره تأمین و توزیع، ریشه اصلی این مشکل است. علاوه بر این، تحریم های اقتصادی و محدودیت های وارداتی باعث شده اند که بازار ایران با شدت وابسته به وارد کنندگان غیررسمی شود که اغلب دستگاه های بازسازی شده یا حتی معیوب را با بسته بندی های فریبنده عرضه می کنند.

❧ تبعات اجتماعی: فرسایش اعتماد عمومی

مشکل مودم های استوک تنها به تجربه خرید محدود نمی شود؛ تبعات آن به لایه های عمیق تر اجتماعی نفوذ می کند. وقتی مصرف کنندگان ایرانی در خرید یک دستگاه ساده دیجیتال فریب می خورند، اعتمادش به بازار رسمی کاهش می یابد. این بی اعتمادی چرخه ای معیوب ایجاد می کند که خریداران را به سمت بازارهای غیررسمی و منابع آنلاین نامطمئن سوق می دهد، جایی که ریسک فریب خوردن بیشتر است. این چرخه نه تنها به ضرر مصرف کننده است، بلکه به کل اکوسیستم اقتصادی و اجتماعی آسیب می رساند. برای کاربران شهری که به اینترنت پایدار برای دور کاری، آموزش آنلاین یا ارتباط با خانواده وابسته اند، این تجربه به معنای از دست رفتن زمان، پول و انرژی است. مریم، مادری که برای آموزش آنلاین فرزندش مودم خریده بود، می گوید: «هر بار که اینترنت قطع می شد، بسرم یک جلسه کلاس را از دست می داد. فکر می کردم با خرید مودم جدید مشکل حل می شود اما فقط پولم هدر رفت و استرس بیشتر شد.» این داستان ها نشان می دهد که یک خرید ساده می تواند به تجربه ای از سر خوردگی و ناامیدی اجتماعی تبدیل شود. علاوه بر این، بی اعتمادی به بازار رسمی، رفتارهای اجتماعی دیگری را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. برخی خریداران به دلیل ناامیدی از فروشگاه های معتبر، به سراغ پلنفرم های خارجی یا شبکه های اجتماعی می روند که اغلب نظارتی بر آن ها نیست. این موضوع نه تنها ریسک های مالی، بلکه خطرات امنیتی مانند نقض حریم خصوصی یا نصب بافزار روی دستگاه ها را افزایش می دهد.

❧ حلقه گمشده: شفافیت و نظارت

برای برون رفت از این وضعیت، کارشناسان چند راهکار کلیدی پیشنهاد می کنند. نخست، تقویت نظارت بر بازار دیجیتال ضروری است. سازمان حمایت از مصرف کنندگان می تواند با همکاری نهادهای دیگر، مانند سازمان تنظیم مقررات، استانداردهای مشخصی برای واردات و فروش مودم تدوین کند. این استانداردها باید شامل برچسب گذاری شفاف نو یا استوک بودن دستگاه و ازام به ارائه خدمات پس از فروش واقعی باشد. دوم، آگاه سازی عمومی از طریق رسانه ها و نهادهای مدنی می تواند به مصرف کنندگان کمک کند تا انتخاب های آگاهانه تری داشته باشند. برنامه های آموزشی درباره نحوه شناسایی مودم های استوک یا بررسی اصالت دستگاه ها می تواند در فریب خوردن خریداران جلوگیری کند. سوم، پلنفرم های آفلاین فروش می تواند باز ارائه اطلاعات دقیق تر درباره محصولات و انتشار نظرات واقعی کاربران، به شفافیت بازار کمک کنند. تشویق به خرید از نمایندگی های معتبر و مجاز می تواند ریسک خرید کالاهای تقلبی را کاهش دهد. ایجاد مشوق هایی مانند تخفیف های مالیاتی برای وارد کنندگان رسمی و مجاز نیز می تواند بازار را به سمت شفافیت سوق دهد. در نهایت، همکاری بین بخش خصوصی و دولتی برای ایجاد یک پایگاه داده ملی از محصولات دیجیتال می تواند به ردیابی اصالت دستگاه ها و کاهش تقلب کمک کند.

❧ پایان تلخ وعده های رنگین

بازار مودم های استوک در ایران بیش از آنکه محلی برای دسترسی به فناوری باشد، به نمایشگاهی از بی اعتمادی تبدیل شده است. جعبه های براق، کابل های بی نام و نشان و چراغ هایی که زود خاموش می شوند، حکایت از واقعیتی تلخ دارند. در این بازار، «نو بودن» اغلب فقط یک شعار است. مصرف کننده ایرانی، میان وعده های رنگین فروشنده ها و واقعیت های ناامیدکننده، تنها می ماند و پرسشی بی پاسخ در ذهنش نقش می بندد که آیا در این بازار، چیزی واقعاً نو وجود دارد؟



گیلمارپله واحسان حاج‌صفی!

ماجرای بازیکنانی که به موقع از سر میز بلند نمی‌شوند

است به زور و با شرايطی ناگوار تن به خداحافظی دهی. احسان حاج‌صفی را سال‌هاست می‌شناسم؛ از همان روزهایی که در ۱۷ سالگی در ترکیب سپاهان خوش درخشید و به لطف اعتماد لوکا بوناچیچ، پدیده این تیم در لیگ قهرمانان آسیا لقب گرفت. ستاره‌ای که پیراهن تمامی رده‌های ملی را پوشید و دومین رکورددار تعداد بازی‌های ملی در فوتبال ایران به‌شمار می‌روداما...

این احسان حاج‌صفی با آن احسان حاج‌صفی کم‌اشتباه و جوان، زمین تا آسمان فرق کرده است. او جوانی را پشت سر گذاشته و شاید بهتر بود پس از بازگشت از یونان به فکر خداحافظی و ورود به عرصه مربیگری یا مدیریت فوتبال می‌افتاد ولی تصمیم گرفت به سپاهان بازگردد و بازی کند. آنچه این مطلب را به درازا کشاند، یک اشتباه تأثیرگذار از یک بازیکن کم‌اشتباه سابق و پا به سن گذاشته امروز نیست بلکه اشتباهی بزرگ‌تر است. اشتباهی که ممکن است به قیمت حراج اعتبار یک عمر فعالیت در سطح بالای ورزشی تمام شود. به هر حال از ما گفتن بود و صلاح مملکت خویش خسروان دانند!

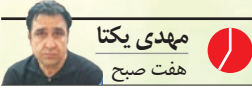
هوادار عاشق در ورزشگاه غول‌پیکر ماراکانا یکصدا گیلمار افسانه‌ای را تشویق کردند. دروازه‌بانی که در سه جام جهانی بازی کرد واز فیفا هم نشان لیاقت گرفت. برزیلی‌ها هنوز هم او را برترین دروازه‌بان تاریخ خود می‌خوانند. آن روز پله‌اسطوره فوتبال برزیل و همبازی گیلمار در تیم ملی برزیل و سانتوس به این دروازه‌بان فقید توصیه کرد گفش‌هایش را آویخته و از دنیای فوتبال در اوج خداحافظی کند. پله گفت: اگر الان خداحافظی کنی، روزی همین ۱۵۰ هزار طرفدار تو را هو خواهند کرد! عجب‌ا که پیش‌بینی پله در‌دست‌از آب درآمد و روزی در یکی از مسابقات سانتوس پس از عملکرد ضعیف اسطوره دروازه‌بانی برزیل و به خاطر گل‌های بدی که گیلمار خورد، هزاران نفر در ورزشگاه ماراکانا او را هو کردند تا خود این گلر بعدها اعتراف کند که اشتباه بزرگش گوش ندادن به توصیه پله بوده است! سه‌شنبه شب که از پای گیرنده‌های تلویزیونی شاهد اشتباه عجیب احسان حاج‌صفی بودم، به یاد گیلمار و توصیه پله افتادم؛ اینکه در دنیای حرفه‌ای فوتبال اگر به موقع از پای میز بلند نشوی، ممکن

گروه ورزش! تیم‌های فوتبال سپاهان ایران و الدحیل قطر در مرحله پلی‌آف لیگ‌نخبگان آسیا، شامگاه سه‌شنبه هفته گذشته با قضاوت عبدالله جمالی از کویت در ورزشگاه خلیفه دوحه رودرویی هم قرار گرفتند که نیمه اول این بازی با نتیجه ۳ بر یک به سود شاگردان بلماضی به پایان رسید. در نیمه دوم اما به‌رغم تلاش سپاهان، شاگردان محرم نویدکیا نتوانستند مانع شکست تیم خود شوند و با شکست ۳ بر ۲ زمین را ترک کردند. بدترین اشتباه این بازی را باتجربه‌ترین بازیکن سپاهان اصفهان مرتکب شد؛ کاپیتان ۳۶ ساله سپاهان، در دقیقه ۳۳ این دیدار مرتکب اشتباه مرگباری شد و در حالی که توپ کاملاً در اختیار خودش بود، به اشتباه آن را به کریستوف پیونتک پاس داد واین مهاجم در مصافی تک به تک با حسینی قرار گرفت و موفق شد گل سوم را وارد دروازه سپاهان کند. سپاهان بازی پلی‌آف را روی همین اشتباه واگذار کرد تا به لیگ سطح دوم آسیا برود در حالی که... امروز به همین بهانه، قصد داریم یک حکایت جالب اما پندآموز را برای احسان حاج‌صفی و احسان حاج‌صفی‌های این فوتبال تعریف کنیم؛ روزی ۱۵۰ هزار

در گفت‌وگوی اختصاصی باهفت صبح، حمید استیلی بعد از چند سال علیه فرهاد مجیدی افشاگری کرد

مجیدی از من فیلم گرفت

مدیر تیم امید پس از چند سال تاخیر دست به افشاگری زد و پرده از ماجرای حاشیه‌ای بین خود و فرهاد مجیدی برداشت. حدود ۶ سال پیش قرعه‌کشی مرحله گروهی انتخابی المپیک ۲۰۲۰ توکیو بر گزار شد و تیم امید ایران با تیم‌های کره جنوبی، چین و ازبکستان در یک گروه قرار گرفت. گروهی که به گروه مرگ شهرت یافت.



مهدی یکتا

هفت صبح

از کارشناسان فوتبال نیز مجیدی جوان را مناسب سر مربیگری تیم المپیک نمی‌دانستند. شهر یور سال ۱۳۹۸، تیم امید با هدایت فرهاد مجیدی در دو بازی دوستانه مقابل امیدهای ازبکستان با نتایج یک بر صفر و ۴ بر صفر مغلوب شد تا کمیته ملی المپیک ایران از مهدی تاج، رئیس فدراسیون فوتبال برای ارائه توضیحات دعوت کند. بر همین اساس برخی اعتقاد داشتند استعفای فرهاد مجیدی به نوعی قرار به جلو بوده است.

جالب آنکه در ادامه فرهاد مجیدی استعفای مشکوکی داشت و به شدت از حمید استیلی به دلیل دخالت در امور تیم انتقاد کرد. ستاره محبوب استقلال‌ها گفت: «کجای دنیا سر پرست تیم، مدیر فنی تیم هم می‌شود؟! کجای دنیا بدون هماهنگی با سرمربی، برای بچه‌ها جلسه آنالیز می‌گذارند یا درباره سیستم دفاعی صحبت می‌کنند؟» فیلم صحبت حمید استیلی در جلسه فنی تیم امید نیز منتشر شد تا حواشی به اوج برسد.

حالا حمید استیلی پرده از این راز مهم برداشته که



فرهاد مجیدی
استعفای مشکوکی داشت و به شدت از حمید استیلی به دلیل دخالت در امور تیم انتقاد کرد. ستاره محبوب استقلال‌ها گفت: «کجای دنیا سر پرست تیم، مدیر فنی تیم هم می‌شود؟! کجای دنیا بدون هماهنگی با سرمربی، برای بچه‌ها جلسه آنالیز می‌گذارند یا درباره سیستم دفاعی صحبت می‌کنند؟»

دو برادر به اتهام درگیری خونین

مقابل خانه همسایه‌شان محاکمه شدند

آثار جنایت در تصادف مرگبار

برادر کوچک‌تر که درگیری مرگبار به خاطر کل کل او با مقتول آغاز شده بود از اتهامش تبرئه شد



فاطمه شیخ‌علیزاده

دبیر حوادث

آنجا آغاز شد که خودروی پژو بر شیب‌ای مشکئی رنگی با سرعت زیاد در خیابان‌های یکی از مناطق شهر حرکت می‌کرد. شاهدان می‌گویند راننده خودرو که جوانی حدوداً سی‌ساله بود، وپراژهای خطرناکی می‌داد و سپس به شکلی ناگهانی کنترل وسیله نقلیه را از دست داد. خودرو پس از انحراف شدید به تیر چراغ برق کنار خیابان برخورد کرد و متوقف شد.

جمعیت در اطراف خودرو

صدای شدید برخورد باعث شد رهگذران و ساکنان محل به سمت صحنه بدوند. دقایقی بعد خودرو در محاصره جمعیتی از شهروندان قرار گرفت، شیشه‌های جلو شکسته و کاپوت خودرو بر اثر ضربه خمیده شده بود. درون خودرو، جوانی خون‌آلود روی صندلی راننده دیده می‌شد که بی‌حرکت مانده بود. مردم با مشاهده این صحنه وحشت‌زده شدند. برخی باورزائس تماس گرفتند و برخی دیگر پلیس را در جریان گذاشتند. مأموران پلیس راهنمایی و رانندگی برای بررسی علت حادثه وارد عمل شدند و در همان لحظات نخست، مشخص شد که راننده، فردی به نام سهراب اشکار است.او به سرعت به بیمارستان منتقل شد اما به دلیل شدت جراحات، به‌رغم تلاش تیم پزشکی، جان باخت.

گزارش پزشکی قانونی و آغاز تحقیقات جنایی

ابتدافرض بر این بود که مرگ سهراب تنها در نتیجه برخورد شدید خودرو با تیر چراغ برق رخ داده است. اما چند روز بعد و با صدور گزارش پزشکی قانونی، حقیقتی متفاوت آشکار شد. پزشکان اعلام کردند علت اصلی مرگ، وارد شدن ضربه چاقو به ناحیه گردن بوده است. بنابراین سهراب پیش از تصادف هدف حمله قرار گرفته و سپس در تلاش برای فرار یا رساندن خود به مراکز درمانی دچار حادثه رانندگی شده است. با کشف این نکته مهم، پرونده از حالت تصادف خارج و به‌عنوان یک پرونده قتل عمدی در دستور کار تیم جنایی پلیس آگاهی قرار گرفت.

بررسی دوربین‌ها و سرنخ تازه

کارآگاهان با تحقیقات میدانی در محل سکونت مقتول دریافتند که اندکی پیش از حادثه، سهراب در مقابل منزلیش با فردی دو فراد ناشناس درگیر شده



ردفاعیات متهم

نوبت دفاع به بهزاد رسید. او در برابر قضات گفت: «روز حادثه برادرم فرزاد با حالت پریشان وارد خانه شد. او نفس‌نفس می‌زد و به شدت عصبانی بود. وقتی علت را پرسیدم، گفت با یکی از بچه‌های محله به نام سهراب درگیر شده و سهراب ناگهان سبلی محکمی به او زده است. دین حال برادرم برام غیرقابل تحمل بود. بلند شدم و گفتم بیا برویم سراغش تا جواب این رفتار را بدهیم.»

بهزاد ادامه داد: «با هم مقابل خانه سهراب رفتیم. فرزاد با عصبانیت شروع به کوبیدن در کرد و بافریاد او را صدا زد. وقتی سهراب در را باز کرد، به سمت ما اسپرید فلغل گرفت و بلافاصله شروع به زدن برادرم کرد. حتی یک ساتور هم در دست داشت. من که دیدم برادرم در خطر است، چاقویی را که همراهم بود بیرون آوردم و یک ضربه به گردن سهراب زدم. قصد کشتن او را نداشتم. فقط می‌خواستم برادرم را نجات دهم.»

فرزاد نیز در جایگاه قرار گرفت و گفت: «من روز حادثه همراه دوستم در محله با موتور می‌چرخیدم که سهراب سر راهم سر شد. او بدون دلیل شروع به مشاجره کرد و ناگهان به صورت من سبلی زد. من که شوکه و عصبانی شدم، وقتی به خانه برگشتم، برادرم متوجه ماجرا شد و گفت باید جوابش را بدهیم. با هم رفتیم در خانه سهراب. اما من اصلاً نمی‌دانستم بهزاد چاقو به همراه دارد و هیچ‌وقت قرار نبود چنین اتفاقی رخ دهد. بنابراین این اتهام معاونت در قتل را قبول ندارم.»

صدور حکم

پس از پایان جلسه و مشورت قضاات، رأی صادر شد. بر اساس حکم، بهزاد به قصاص نفس محکوم شد. فرزاد نیز به دلیل نقش داشتن در بروز درگیری به ۱۵ سال زندان محکوم شد. با این حال، پرونده پس از اعتراض وکیل مدافع متهمان به دیوان عالی کشور فرستاده شد.

قضاات دیوان عالی کشور پس از بررسی ایرادات موجود در تحقیقات، حکم صادره را نقض کردند. استدلال قضاات دیوان این بود که باید ابعاد ماجرا و نقش دقیق هر یک از متهمان بسار دیگر با دقت بیشتری بررسی شود.

فروشنده‌های قلابی مترو خلافتکار بودند

دو نفر از فروشندگان سابقه‌دار مواد مخدر به دام پلیس افتادند

ایستگاه‌های مترو تهران روزانه میزبان صدها هزار مسافر هستند؛ مکان‌هایی شلوغ که گاه‌فراست را برای مجرمان خرد و سارقان جیب‌بر فراهم می‌کند. در جریان یکی از طرح‌های بررسی و کنترل افراد مظنون در ایستگاه‌های مرکزی، دو نفر که قصد سرقت از مسافران را داشتند، شناسایی و در عملیاتی غافلگیرانه دستگیر شدند.



شروع ماجرا در میان ازدحام مسافران

آن روز مأموران در حال گشت‌زنی در سکوی یکی از ایستگاه‌های پررفت‌وآمد بودند که توجهشان به رفتار دو نفر، یک مرد و یک زن، جلب شد. این دو نفر با حرکات مشکوک، مسافران را زیر نظر داشتند و به دنبال انتخاب طعمه‌ای مناسب بودند. مأموران تصمیم گرفتند حرکاتشان را از فاصله‌ای مطمئن تعقیب کنند. رفتار متهمان شباهت زیادی به شیوه‌های شناخته‌شده جیب‌برهای حرفه‌ای داشت؛ نزدیک شدن بیش از حد به مسافران در هنگام ازدحام، توقف‌های بی‌دلیل کنار گیت‌های ورودی و خروجی و توجه مسدوام به کیف‌ها و جیب‌ها.

فرار و تعقیب

با احساس خطر از تحت نظر بودن، این دو نفر به سرعت تغییر مسیر داده و قصد ترک ایستگاه را داشتند. عملیات تعقیب در فضای شلوغ مترو آغاز شد. در حالی که جمعیت انبوهی در رفت‌وآمد بود، مأموران توانستند راه را بر آنها ببندند و هر دو را دستگیر کنند.

کشف اموال مسروقه

پس از انتقال این دو نفر به مقر انتظامی مستقر در مترو، بررسی بدنی و بازرسی اولیه صورت گرفت. در جریان بازرسی، دو دستگاه تلفن همراه که ساعتی پیش از مسافران سرقت شده بود، به دست آمد. علاوه بر آن، مدارک هویتی و بانکی متعلق به چندین شهروند دیگر نیز کشف شد که نشان می‌داد فعالیت این افراد تنها به همان دو تلفن همراه محدود نبوده است.

اعتراف به سرقت‌های متعدد

در بازجویی‌های بعدی، متهمان به انجام دست‌کم ۱۰ فقره سرقت اعتراف کردند. شیوه کار آنها عمدتاً جیب‌بری در زمان ازدحام و شلوغی واگن‌ها و سکوها بود. یکی از آنها اظهار داشت که مدتی است با ورود به ایستگاه‌های مختلف، مسافران را شناسایی کرده و در فرصت مناسب اموالشان را می‌ربایند.

تحويل پرونده برای ادامه تحقیقات

با توجه به اعترافات به دست آمده، این دو نفر برای تکمیل تحقیقات و بررسی سایر جرائم احتمالی، به مرجع قضایی معرفی شدند. هدف از ادامه تحقیقات، شناسایی دیگر اموال سرقتی و ارتباط احتمالی آنان با باند‌های دیگر سرقت در سطح شهر عنوان شد.

اهمیت پیشگیری و هوشیاری شهروندان

پرونده اخیر بار دیگر اهمیت هوشیاری در محیط‌های عمومی و شلوغ را یادآور شد. سارقان جیب‌بر معمولاً در مکان‌هایی مانند مترو، اتوبوس‌ها و تندرو و بازارهای شلوغ فعالیت می‌کنند؛ مکان‌هایی که ازدحام و شتاب مردم برای رسیدن به مقصد، فرصت مناسبی برای سوءاستفاده ایجاد می‌کند. از شهروندان خواسته می‌شود هنگام استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی مراقب کیف و وسایل شخصی خود باشند، از قرار دادن اشیای قیمتی در جیب‌های بیرونی لباس پرهیز کنند و در صورت مشاهده رفتارهای مشکوک، موضوع را سریعاً به مأموران حاضر در محل اطلاع دهند.

نگاهی به روش‌های رایج جیب‌برها

در بررسی پرونده‌های مشابه مشخص شده است که سارقان برای سرقت از مسافران از روش‌های گوناگونی استفاده می‌کنند. برخی در هنگام سوار و پیاده شدن، با ایجاد تماس بدنی عمدی اقدام به سرقت می‌کنند. عده‌ای دیگر در زمان توقف قطار و ازدحام در کنار درها دست به کار می‌شوند. در برخی موارد نیز سارقان با تشکیل گروه، حواس مسافر را پرت کرده و سپس اموال او را سرقت می‌کنند.

نتیجه‌گیری

دستگیری اخیر نشان داد که اقدامات نظارتی و گشت‌های منظم در ایستگاه‌ها می‌تواند نقش مهمی در کاهش جرائم خرد ایفا کند. با این حال، بخش مهم دیگری از پیشگیری بر دوش خود شهروندان است. حفظ هوشیاری و رعایت نکات ایمنی فردی می‌تواند مانع از بسیاری از سرقت‌ها شود و امنیت سفرهای شهری را افزایش دهد.

